

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران بمناسبت نهمین سالگرد انقلاب بهمن

سالگرد غارتگرانه امپریالیسم در میهن ما بود. انقلاب نشان داد که در برابر جتروس و قیام خلق، حاکمیت ستمگران و جباران را یارای پایداری نیست و بغای فرمانروایی آنان با همه هیبت ظاهری چون خانه‌های کاغذین فرو می‌ریزد.

مردم ایران با سرفکون کردن رژیم شاه، در پی آن بودند که ایرانی صلح‌خواه، مستقل، آزاد و آباد بنا کنند. توده‌های دهها میلیونی مردم، به خاطر بقیه در صفحه ۳

در استانه نهمین سالگرد انقلاب بهمن، خاطره شکوهمند رژیم استوار، جانباژی قهرمانانه و قیام حماسی خلق را گرامی می‌داریم و به روان پاک شهدایی که در راه اهداف مردمی و شریفانه انقلاب جان باختند، درود می‌فرستیم.

انقلاب بهمن ۵۷، بزرگترین حماسه تاریخی معاصر ایران و بارزترین تجلی خشم و نفرت مردم ما علیه ستم و بیداد رژیم شاهنشاهی پهلوی، این پاسدار



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۶۶ برابر ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریبال سال چهارم - شماره ۱۹۴

سرمایه‌های کلان، دزدهای کلان‌تر

درباره "سازمان بیمه‌های اجتماعی" و اوضاع دردآور بهداشت و درمان در کشور، تا کنون بارها و هر بار اویک ژاویه مطلب فوشته شده است. کمیابی دارو و نبود امکانات درمانی، بی اعتبار بودن کامل دفترچه‌های بیمه، سرگردانی بیماران بیمه‌ای و شرع سنگین بیمارستانهای خصوصی، احتکار دارو و "باوآر سیاه درمان" هر یک می‌تواند ژاویه‌ای برای ورود به مسئله مهم بهداشت و درمان در حکومت اسلامی محسوب گردد. اما مقاله حاضر، نگاهی است به موضوع از ژاویه کاملاً متفاوت و افشاگر. اخیراً وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اعلام کرد: "این وزارت بر طبق قانون ملزم به دریافت شصت و هفتم (۹/۲۷) حق بیمه آن سازمان به منظور ارائه درمان به بیمه‌شدگان می‌باشد و به موجب قانون و تبلیغاتی جهت اعلام نحوه مصرف و صورت حساب حق بیمه‌های دریافتی را به هیچ دستگاهی ندارد..."

اعلام رسمی این موضوع اوجاف‌ب یکی از نهاد های رسمی دولتی در سایه حکومت اسلامی، نگاه نخست بدین معنات که وزارت بهداشت هم مثل دیگر نهادها از "حق پوشش" برخوردار است و به موجب قانون به هیچ دستگاهی حساب پس نمی‌دهد، تا این‌چنین موضوع به بافت خان خاخی حکومت جمهوری اسلامی برمی‌گردد، مایه تعجب

بقیه در صفحه ۷

بحران، بارگاه خلافت را به لرزه افکنده است

مروری بر هشت ماه یکشمکشی از بحران قدرت در رژیم

است (اصل ۹۶)، فحق کخدا؟ کدام کره‌گاه بارگاه ولایت را به عرصه درگیری‌ها کشاند؟ زمینه‌های تدبیر جدید خمینی چه بود؟

برای پاسخ دادن به این پرسشها، باید حداقل هشت ماه به عقب باوگر دیم. وجه مشخصه این هشت ماه، این است که در آغاز آن، خودداری صریح و سکوت خمینی در مورد موضوع اختلافات قرار دارد و در پایان آن، موضعگیری صریح به سود یک طرف.

در روز ۱۴ خرداد سال جاری، اعضای مجلس و شورای فکتهان به چهاران رفتند و فستجانی در این ملاقات، به "آچیز"ی که در زمینه تصویب قوانین ایجاد شده است اشاره کرد و گفت: ما شیوا به دخالت و کمک صریح جنابعالی داریم... غیر او شخص جنابعالی هیچ کس وزیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل بکند... امروز اگر جنابعالی به داد این مقطم... شریکو مشکلات قانونگذاران را... حل نفرمائید، ما نمی‌دانیم که در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام بدهد." (رادیوی رژیم - اخبار ۱۴ خرداد)

خمینی در آن زمان به این التماس رئیس مجلس آخوندی واقعی فکر داشت و پاسخ داد: "من بنا

بقیه در صفحه ۲

در شماره گذشته نشریه، خبر تشکیل مرجعی را دادیم که قرار است با اختیارات محول شده اوسوی خمینی، در مورد کلیه قوانینی که موضوع اختلاف مجلس و شورای فکتهان شود، تصمیم نهایی را اتخاذ کند. تعداد و ترکیب کسانی که علاوه بر فقهای شورای فکتهان در این مرجع عضویت دارند، به گونه‌ای است که عملاً حق وتوی مصوبات مجلس را اوشورای فکتهان سلب می‌کند.

دخالت مستقیم خمینی در کشمکش‌های درون حکومت که بافتوهای او در مورد "مبارزه با کرافی" قانون کار و قانون معادن آغاز شد و با سرشش خامه‌ای به خاطر "عدم شفاخت از ولایت مطلقه" ادامه یافت، ایفک با تقویش قدرت اجرایی در اعمال "حکم حکومتی" به مرجعی مافوق شورای فکتهان، به اوج خود رسیده است. با توجه به کاسته شدن پسر خلیفه چماران به عنوان ناظر در مرجع ناظر در مرجع جدید، به نظر می‌رسد این دخالت لااقل در زمان قابل پیش بینی تداوم خواهد داشت.

کدام ضرورت و کدام مصلحت خمینی را بر آن داشته است تا بدینگونه آشکار، قانون اساسی خود را که می‌گوید "تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس... با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای فکتهان"

خلق فلسطین، پرتوان می‌روند



در این شماره

بلوچستان

عرصه تاخت و تاز سرسپردگان دورژیم

در صفحه ۶

رژیم ترکیه ۱۰ پناهنده ایرانی را

به جمهوری اسلامی تحویل داد

در صفحه ۱۱

از زندگی مهاجرین ایرانی در پاکستان

در صفحه ۱۰

حاکم شرع خمینی و مسئله کمبود کبوسول گاز

در صفحه ۱۰

کنفرانس جهانی

سندیکاها و امنیت اقتصادی بین المللی

در صفحه آخر

بحران، بارگاه خلافت را به لرزه افکنده است

بقیه از صفحه اول

فقه‌ها برای کنترل مصوبات مجلس شورای ملی پیش‌بینی شد. اختیارات این شورا چیزی در حد اختیارات شورای نگهبان در جمهوری اسلامی بود، اما کاهش سریع نفوذ آخوندها در حیات سیاسی و اجتماعی از اواخر دوره قاجار، این شورا را به فراموشی سپرد.

هنگامی که خمینی در پاریس بود، لیبرال‌های مذهبیه اطراف او طرحی برای قانون اساسی جدید نوشتند که در آن نفوذ با توجه به شرایط روز، نامی از ولایت فقیه برده نشده بود. اما خواست دیرین روحانیت برای احیای "شورای فقه" مورد توجه قرار گرفته و در طرح منظور شد. همین طرح به عنوان مبنا، مورد بحث "مجلس خبرگان" قرار گرفت. با اینکه در این طرح سخنی از ولایت فقیه نبود، خمینی آن را در بهار سال ۵۸ "بدون اشکال" خواند. بعدها در مجلس خبرگان با مناسب دیدن شرایط ولایت فقیه را نیز به طرح قانون اساسی افزودند. علاوه بر ولایت فقیه، شورای نگهبان نیز به جای خود باقی ماند. شش عضو قدرت‌مند این شورا باید فقیه و مجتهد باشند. در دستگاه روحانیت، "مجتهد" یک رده پایین‌تر از "مرجع تقلید" است. مجتهد مرجع تقلید نیست، اما مقلد هم نیست، خود "اجتهاد" می‌کند و برای خود فتوا می‌دهد. به جز خمینی، چند "مرجع تقلید" دیگر نیز وجود دارند. هر یک از ایشان مانند خمینی چند مجتهد تحت نفوذ خود دارند. بنابر این حساب ساده عددی را هم که ملاک بگیریم، "خطامی‌های" اروپا قریص، کسانی که از دهها سال پیش شاگرد خمینی بوده‌اند، در میان "مجتهدین" اکثریت را تشکیل می‌دهند. خمینی در انتخاب فقهای شورای نگهبان ناچار بود این واقعیت را در نظر بگیرد. مصلحت نظام جمهوری اسلامی نیز این بوده و هست که پیوندی از کافیک با دستگاه سنتی روحانیت، با وجود چند مرجعی بودن آن، داشته باشد و تنها به آخوندهای شاگرد خمینی اتکا نداشته باشد. خمینی، پاره‌ای از لقمه چرب و نرم "قدرت" را جلوی آخوندهایی انداخت که آنچنان که رفسنجانی برای، استادش سینه چاک می‌کند، مرید خلیفه جماران نیستند.

این تدبیر، علیرغم کارساز بودنش، نمی‌توانست به نطفه بحرانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، که تقسیم قدرت در رژیم آخوندی را سامان می‌دهد، تبدیل نشود. خود ولایت فقیه، با مقتضیات و

بوده و هست و تازمانی که این نظام وجود داشته باشد همینطور خواهد بود.

کار به جایی رسید که صدای اعتراض موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور بلند شد. وی در "سینار تبیین ولایت مطلقه فقیه" در قم در یک جلسه پرسش و پاسخ شرکت کرد. از قاضی القضاة خمینی سؤال شد: "آقای امامی کاشانی (عضو فقهای شورای نگهبان) گفتند ما سابقاً از نظر امام اطلاع داشتیم و عمل نکردن به آن به این دلیل بود که فکر می‌کردیم این نظرات حکم فیهست... وی علناً به امامی کاشانی حمله کرد و گفت: "من بیانیه را خیلی صریح‌تر از آن می‌دانم که اجمالی در آن وجود داشته باشد و این جواب (جواب امامی کاشانی) قانع کننده فیهست." (کیهان ۲۶ دی) موسوی اردبیلی در روز اول بهمن، در جلسه مشابیه، باوهم در قم، خبر تشکیل کمیسیونی از سوی خمینی به عنوان مرجع نهایی پس از رد لوایح از سوی شورای نگهبان را تلویحاً تأیید کرد.

در روز ۱۷ بهمن، جزئیات تدبیر جدید خمینی به عنوان صاحب اختیار "ولایت" و تکیه زنده بر مسند خلافت، برای شکستن بن‌بست تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی و برداشتن گامی برای حل بحران قدرت، اعلام شد. از بی‌تدبیری و سکوت خلیفه جماران در خردادماه، تا آخرین تدبیر او در بهمن ماه، هشت‌ماه پرکشش گذشت. خمینی باردیگر، همچون دفعات متعددی در سالها، گذشته، ناچار شد روزه سنگین حکم خود را به کف‌ای که فعلاً به صلاح دیده است بیاکند.

آیا دوره اقتدار "شورای نگهبان" در رژیم آخوندی به سر رسیده است؟ و یا هنوز این آغاز پایان کار این نهاد است؟ آیا دیگر سد "شورای نگهبان" در برابر مجلس سربل نخواهد آورد؟

در شماره گذشته گفتیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی، برای نهادی کردن رابطه دستگاه سنتی روحانیت و حکومت، ارکان شورای نگهبان را پیش‌بینی کرد. ایده تشکیل چنین شورایی، ابتکار بهشتی و سایر تدوین کنندگان قانون اساسی آخوندی نیست. در قانون اساسی مشروطه نیز بر زمینه‌ای از نفوذ و اقتدار آن زمان دستگاه روحانیت، وجود شورای

موضع خود را صراحت بیشتری بخشید. "حکم حکومتی" و "ولایت مطلقه" شغل همه مجالس آخوندی شد و طبق معمول مجامع مختلف در تبیین و تسجید از این مفاهیم نو، برگزار گردید. اما در عین حال، تنش‌ها ادامه یافت. جناح "فقه سنتی" که با تحولات جدید، به عقب نشینی واداشته شده بود، دست به تلاشی زد تا بارها کردن سبزه‌های "سوخته" و دست کشیدن از استدلال‌هایی که خمینی مهربانان بر آنها زد، راهیایی جدید برای حفظ مواضع مهمتر و اصلی بپاید. خزعلی از آخوندهای شورا، نگهبان در روز ۴ بهمن ضمن سخنانی تأکید کرد: "اصل مالکیت در اسلام از اصول مسلم است... آنهایی که اعضای شورای نگهبان را طرفدار فتوای می‌نامند باید فکر کنند و پخته صحبت کنند" آخوند محمد یزدی، نایب رئیس مجلس و پیر و دیندار، از جمله "فقه سنتی" نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت (۷ بهمن) گروید ابعاد اختیارات محوله به دولت از سوی خمینی را محدود جلوه دهد و اظهار داشت:

"... اگر به این هیات وزیران که قوه مجریه است اختیار داده شد... این اختیار در جهت مسائل دیگری که دارای قوانین است وجود ندارد." یزدی در مورد شورای نگهبان نیز تأکید ورزید: "نظام شورای نگهبان جز قوه مقننه است یعنی مجلس بدون شورای نگهبان رسمیت ندارد و آن چه که در مجلس تصویب می‌شود باید به شورای نگهبان برود و شورای نگهبان نیز باید آنرا بررسی کند تا خلاف قانون اساسی و خلاف شرع نباشد و فقهای شورای نگهبان از مجتهدین هستند یعنی تقلید برای آنها حرام است و نمی‌توانند تقلید کنند..."

"بارها در طول هفت سال عمر مجلس شورای نگهبان، این مورد را داشته‌ایم که شورای نگهبان می‌گوید مسئله خیلی روشن است که اگر این مصلحت باشد، این حکم را می‌توان عرفاً رد کرد... اما اینکه شامی گویند این مصلحت را فقط از این راه می‌توان تأمین کرد باید این را برای ما روشن کنید..."

آخوندهای شورای نگهبان به صراحت گفتند ما "عمل خلاف"ی انجام نداده‌ایم که لازم باشد توبه کنیم. به قول خزعلی و یزدی، "همین

ندارم که امروز صحبت کنم... مشکلات را با تدبیرهایی که دارید رفع کنید..." خلیفه جماران، به عبارتی دیگر در آن زمان گفت تدبیری در کیسه اش ندارد که به حکومت گران بدهد و "مشکلات فقهی" را نمی‌تواند حل کند.

در همان زمان، به غور دقیق‌تر در روز ۱۲ خرداد، رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی تشکیل کمیته مشترکی به منظور "هماهنگی بین مسئولین" را اعلام داشت. وی گفت در این کمیته خود او، رئیس جمهور، رئیس دیوانعالی کشور، نخست‌وزیر، اعضای شورای عالی قضایی، هیات وزیران، رؤسای کمیسیون‌های مجلس و اعضای شورای نگهبان عضویت دارند (اکثریت ۱۶۱).

وباز هم در همان روزها بود که خامنه‌ای و رفسنجانی در نامه‌ای به خمینی در مورد حزب جمهوری اسلامی کسب تکلیف کردند و خمینی این حزب را "تحلیل" اعلام کرد.

این همه را که کنار هم بگذاریم، روشن می‌شود که تا خردادماه سال جاری، بحران قدرت در رژیم آخوندی به جایی رسید که علما مانده برداشتن هر گونه گام مهم در عرصه قانونگذاری را چاره شده بود. ظرف سه سال، از (۲۲ طرح و لایحه مصوب مجلس، ۱۰۲ مورد آن توسط شورای نگهبان و توشه شد. رفسنجانی در همان زمان به خوبی می‌دانست که تدبیری مانند تشکیل "کمیته مشترک" هم حلال مشکلات نخواهد بود. رئیس مجلس و شاگرد وفادار خمینی، کلید کشایش امور را در نزد استادش جستجو می‌کرد.

آن روز خمینی "بنا داشت" صحبت کند. اما در اواخر تیرماه، رفسنجانی اعلام کرد که خمینی به عنوان نخستین گام در تقویض اختیارات به دولت، اجازه "تغییرات گران‌فروشان" بدون حکم دستگاه قضایی را صادر کرده است. ماه‌های تابستان، هنگام راه‌اندازی جوار و جنجال "مبارزه با کرائی" بود. علیرغم مخالفت‌هایی که از جانب برخی "مجتهدین" ابراز شد، تغیرات حکومتی "حکم حکومتی" را یافت. کارآیی "حکم حکومتی" را یافت.

در آذرماه، خمینی فتوای خود در مورد قانون کار و معادن را نیز بر "تغییرات حکومتی" افزود و در دیماه با جواب روشنی که به خامنه‌ای داد،

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت نهمین سالگرد انقلاب بهمن

بقیه از صفحه اول

استقلال، دموکراسی، سعادت و شیک بختی، عدالت و پیشرفت اجتماعی، انقلاب بهمن را بپاکر دند. تجربه بار دیم نشان داد که عزم استوار و رزم دلاورانه خلق، مادام که به انتقال قدرت به خلق فیماجماد و دولت متکی بر اراده کارگران، دمقشان و همه اقشار دمکرات و ترقیخواه جامعه برپا نکرده، نمی تواند به تحکیم و شکوفایی دستاوردهای خدامیریالیستی و دمکراتیک انقلاب و توده های مردم بپا نجامد.

خمینی که مردم به او اعتماد کرده بودند، به جای استقرار حاکمیت مردم در کشور، "حکومت مطلق الهی" یا ولایت مطلقه فقیه را که همان استبداد مطلقه فقهیات، بر مردم تحمیل کرد و سلطه سیاه و نکبت بار استبداد مطلقه می را در سراسر جامعه گسترده ساخت. در طی استقرار رژیم ولایت فقیه، دستاوردهای انقلاب یکی پس از دیگری، اوصاحبان اصلی انقلاب، یعنی توده های مردم، باز ستانده شد و فیروهای انقلابی و مردمی، ساؤمان ها و احزابی که در راه صلح، استقلال، دموکراسی و عدالت و پیشرفت اجتماعی، یعنی در راه اهداف انقلاب و خواست های مردم مبارزه می کردند، تحت پیگرد و سرکوب خویشین قرار گرفتند و در عوض غارتگران مردم و چپاولگران و دؤدان بیت المال عمومی برای یک تائو، میدان یافتند. خیانت خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی به مردم و تعرض ردیلا نه آنها به دستاوردهای انقلاب بهمن، انقلاب مردمی ما را شکام کرد. اکنون توده های مردم به تجربه دریافته اند و در می یابند که ولایت فقیه خمینی، رژیمی است ارتجاعی، جنگ افروز و ضد خلقی که با ادامه آن فقر و بختی توده مردم زحمتکش بیشتر می شود.

تغی راه دستیابی توده های مردم به خواست هایشان، درهم شکستن بیوغ استبداد مذهبی و سرنگونی جمهوری اسلامی است. هم میهنان عزیز!

استبداد مذهبی در کشور بیداد می کند. رژیم ولایت فقیه، رژیم استبداد مطلقه فقیه است و آؤادیهای سیاسی را که انقلاب به قیمت خون هزاران شهید به ارمغان آورده بود، سباعه پایمال کرده است. نقض حقوق بشر و سرکوب خویشین نیروهای انقلابی و ترقیخواه، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی، پایمال کردن وحشیانه حقوق زنان و به بدقت کیدن اقلیت های ملی و مذهبی، رژیم خمینی را در کنار مغفورتین رژیم های جهان قرار داده است.

جنگ ایران و عراق که اکنون هفت سال است ادامه دارد، به فاجعه ای میهنی و همه گیر بدل شده است. خانواده ای نیست که قربانی نداده و خانه ای نیست که به ماتمکه بدل شده باشد. جنگ، بر همه شئون زندگی فردی و اجتماعی در کشور، سایه شوم را انداخته و باعث تشدید بحران اقتصادی، افزایش گرانی، گسترش بیکاری، بی مکنفی، آوارگی، فقر، اعتیاد، فحشا و فساد شده است. سیاست اقتصادی رژیم، اکنون مدنیت است که به سیاست اقتصاد جنگی تبدیل شده است. در نتیجه این سیاست، نابرابریهای اجتماعی دامنه فزونی یافته است. ادامه جنگ ایران و عراق، در شمار بزرگترین خیانت های رژیم خمینی علیه انقلاب و مردم ما است. در ادامه این جنگ ه توده های مردم ما و نه مردم عراق، میبیک ذی نفع نیستند. جنگ اهرمی در دست خمینی برای مستحکم تر ساختن رژیم ولایت فقیه در کشور است و او با بیرحمی تمام در برابر خواست مردم و فیروهای ترقیخواه کشور، دایر بر استقرار صلح، عقاد می ورزد و با تلاش های

صلح جویانه ای که در سطح بین المللی برای خاموش کردن آتش جنگ صورت می گیرد، به مقابله بر می خیزد. جنگ در خدمت و د و بند پشت پرده خمینی و دیگر سردمداران رژیم او با امیریالیسم آمریکا است و چو فان عاملی در جهت گسترش حضور و نفوذ امیریالیسم در منطقه، تاثیر می کند. جنگ در خدمت منافع امیریالیسم در منطقه و طبقات ارتجاعی در دو کشور ایران و عراق است.

با آنکه جنگ هر دو کشور را اؤنفس انداخته است، اما با وجود این، رژیم خمینی با بسیج نیرو و تحت عنوان "جهاد مالی و جانی" و ادامه عملیات جنگی تلاش می کند همه اقدامات صلح جویانه برای پایان بخشیدن به این جنگ ابلسی را عقیم کند و مانع اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بشود.

هم میهنان!

علیه رژیم ولایت فقیه، رژیم جنگ افروز و مستبد حاکم، مبارزه را تشدید کنید! برای برقراری بدون قید و شرط آتش پس، در راه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبارزه کنید! علیه استبداد مذهبی و خفقان حاکم، علیه نقض آؤادیهای دمکراتیک و پایمال کردن آؤادیهای سیاسی، علیه باؤداشت، شکنجه و اعدام انقلابیون و میهن پرستان کشور، در راه آزادی زندانیان سیاسی بیکار کنید! علیه چپاول دستر شجتان، علیه بهره کشی و تبعیض، و در راه عدالت اجتماعی، دامنه مبارزات خود را گسترده تر سازید! بخاطر صلح، آؤادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به پا خیزید!

کارگران! دهقانان! و حمتشان!

استبداد مذهبی، ادامه جنگ، تشدید بحران اقتصادی، فاضایتی اجتماعی فزاینده ای را در صفوف شما دامن گسترانده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، از آینده خود بیمناکند. آکاهی فزاینده شما نسبت به خیانت های خمینی و دولتمردان رژیم او به اهداف انقلاب و ماهیت ارتجاعی حکومت فقه بر بیم آنها افزوده و اختلافات درونی محافل حاکمه را تشدید کرده است. مبارزه بر سر قدرت میان جناح های حاکمه، با توجه به چشم انداز انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، بیشتر شده و حمایت خمینی از یک جناح، به آن ابعاد تاؤه ای بخشیده است. در حالیکه اوضاع در جهت گسترش مبارزات مردم مساعدتر می شود، خمینی مانورهای سلسا قه تاؤه ای برای فریب شما و باؤداشتن شما اؤبیرد قطعی در راه مطالباتتان تدارک می بیند. به شیر شک خمینی و دولتمردان رژیم او دل خوش نکنید!

نیروهای مبارز و ترقیخواه!

بخاطر صلح، آزادی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه متحد شویم! تفرقه در صفوف ما به سود دشمنان مردم ماست و بر عر نکبت بار رژیم خمینی می افزاید. تلاش بیکر در راه دستیابی به اتحاد و میجیانه همه فیروهای صلح دوست، ترقیخواه، دمکرات و انقلابی کشور، پاسخ ما به خیانت هایی است که خمینی علیه مردم و انقلاب ما، مرتکب شده است. دست یکدیگر را برای پیروزی خلق در مبارزه در راه سرنگونی جمهوری اسلامی بشاریم.

گرامی باد خاطره شکوهمند انقلاب بهمن

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی ساؤمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۶ ماه ۱۳۶۶

دیگر مانند گذشته از "حق و تو" استفاده نکنند. "اعتماد خوب است، اما کنترل بهتر است." "برای غایت احتیاط" مرجعی بالاتر از شورای نگهبان تعیین شده است. با این حال، هنوز معلوم نیست که کشمکش ها در دستور خمینی در میان آؤوندها بی سابقه نیست. اما این بار "فقه سقنی" باید با دقتی چند برابر دفعات گذشته، موقعیت جدید را بسنجد و از امکانات پافیمانده برای حفظ مواضع قدرت بهره گیرد.

خود مشغول داشته است. خمینی در حکم بر کماری مرجع نهایی جدید، هنوز اؤشورای نگهبان با لحن توام با احترامی قام می برد و مرجع مزبور را تنها برای "غایت احتیاط" ضروری می داند. او این تعارف را هم در حکم خود گف جاننده است که "پس از طی این مراحل زیر کارشناسان (منظور مراحل تهیه قوانین است) ... احتیاج به این مرحله نیست." این تعاریف را می توان به تهدید نیز تعبیر کرد که متوجه آؤخوندهای شورای نگهبان است تا

موضوعیت ندارد. اگر فقهای شورای نگهبان اقتدار خود را حفظ کنند، ولایت خلیفه چهاران "مطلق" نیست. در طول سالها، خمینی کوشیده است با بیشترین توجه به مصلحت کل نظام، این تناقض درونی رژیم خود را هر چه پوشیده تر نگه دارد. این سیاست تا زمانی کارایی داشته است، اما آیا برای همیشه کارا خواهد بود؟ آیا به قیمت بن بست تصمیم گیری، و مالا لاهمه به "مصلح" حکومت تمام نخواهد شد؟ ظاهرا همین پرسش ها، در طول ماههای گذشته مغز خمینی را به

ضروریات حکومت کردن بر یک جامعه سرمایه داری منافات دارد. اما وقتی ولایت فقیه بخواهد به ولایت فقه تبدیل شود، این ناهمخوانی مضاعف می شود. ساختار ملوک الطوائفی روحانیت شیعه، از عهده حکومت کردن بر نمی آید. مجتهدینی که به تصریح خود و طبق قوانین اسلامی، مقلد خمینی نیستند، حق و توی قوافین نظامی را - لااقل تا تحولات اخیر - برعهده داشته اند که "قدرت مطلقه" در آن در اختیار خمینی است. با وجود این "قدرت مطلقه"، شورای نگهبان

گزارش آماری از وضعیت استعدادی کارگران صنعتی و کارکنان دولتی

از سوی معاونت کار و پرورش وزارت کار و امور اجتماعی نتایج مقدماتی مرحله اول طرح صدور شناسنامه کارگاههای دانشی کشور و کارگاههای صنعتی با ۱۰ تن شاغل و بیشتر در سال ۱۳۶۵، اعلام شد.

داده‌های گزارش شامل وضعیت سواد، درجه مهارت، استخدام، تاهل، وضعیت شغلی، جنس و سابقه کار شاغلین است که بر اساس نتایج حاصله از مجموع ۶۶۹۹۰۲ نفر شاغل که تا پایان سال ۱۳۶۵، برای آنها شناسنامه کار صادر شده است، ۷۴/۲ درصد حقوق بگیر بخش عمومی، ۲۴/۲ درصد حقوق بگیر بخش خصوصی و ۱/۲ درصد کارفرمایان کارکن فامیلی هستند. بنابه گزارش مذکور، از مجموع شاغلین ۷۴/۸ درصد باسواد و بقیه بی‌سوادند و افراد باسواد ۴۴/۱ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۵/۲ درصد تحصیلات متوسطه، ۱۲/۲۲ درصد دیپلم و ۳/۲ درصد دارای تحصیلات عالی هستند. همچنین ۸۷/۴ درصد شاغلین متأهل و ۱۰/۵ درصد مجرد هستند. ۹۸/۲ درصد شاغلین متأهل را مردان و ۲/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این نسبت‌ها برای شاغلین مجرد به ترتیب ۸۱/۶ درصد و ۱۸/۴ درصد است. از نظر توزیع درجه مهارت ۲ درصد شاغلین متخصص عالی، ۶۲/۸ درصد کارگر ماهر، ۱۰/۱ درصد استادکار و ۱۸ درصد کارگر ساده هستند.

به گزارش واحد مرکزی خبر بخشی از عملیات اجرای طرح صدور شناسنامه کار توسط اداره کل آمار و مطالعات نیروی انسانی وزارت کار در سال ۶۵، به مرحله اجرا درآمده و در سال ۶۶ نیز ادامه دارد و تاکنون برای ۱/۱ میلیون نفر از مشمولین قانون کار شناسنامه کار صادر شده است. ادعا شده است که هدف از اجرای طرح صدور شناسنامه، تشکیل بانک اطلاعاتی از خصوصیات شاغلین و آماده نگه داشتن این اطلاعات برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجرای بیمه بیکاری است.

علاوه بر گزارش فوق، نشریه "مدیریت دولتی" وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور در نخستین شماره خود تصویری از وضعیت نیروی انسانی شاغل در بخش دولتی در سال ۶۵ ارائه کرده است، گزارش نشریه مدیریت دولتی حاکی است که تعداد مستخدمین دولت اعم از رسمی، پیمانی و خرید خدمت که هزینه پرسنلی آنان در قانون بودجه سال ۶۵ ذکر شده است، ۹۰۸/۴۷۷ نفر می‌باشد که با در نظر گرفتن دستگاههایی که اعتبارات پرسنلی آنان در قانون بودجه تفکیک شده، تعداد مذکور به ۱/۴۴۹۶۶۲ نفر در در بخش مشمول و غیرمشمول بالغ می‌گردد.

۶۴/۷۱ درصد از مستخدمین دولت در بخش مشمول قانون استخدام کشوری و ۳۵/۲۹ درصد در بخش غیرمشمول شافل می‌باشند که تعداد آنان به ترتیب (۹۷۱، ۹۲۰، ۶۹۲ و ۵۱۱) نفر می‌باشد.

از نظر مدرک تحصیلی: ۸۲/ درصد مستخدمین دولتی دارای مدرک دکترا و ۷۷/۸۶ درصد یعنی ۹۰ برابر آن دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم هستند.

برگزاری کنفرانس مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج و ایران

فراشه نوشت: طی چند روز آینده شیخ زاید بن حناج آل فهیان رئیس امارات متحده عربی به تهران سفر خواهد کرد. به نوشته همین روزنامه، شیخ زاید قبلاً یک دعوت نامه رسمی برای بازدید از ایران دریافت داشته بود. منبع مذکور همچنین خاطرنشان کرده است که در آینده نزدیک سفارتخانه‌های ایران و کویت در تهران و کویت با یکدیگر خواهد شد.

در گزارشهای منتشره از سوی منابع غربی و ایران در زمینه امکان کاهش تنش میان تهران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بر نقش دست تأکید شده است.

بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه و سرمدی سخنگوی این وزارتخانه هفته گذشته در میزگرد سیمای جمهوری اسلامی اعلام کردند که کنفرانس ۷ جانبه معارفین و وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در آینده نزدیک با حضور ایران در ابوظبی تشکیل می‌شود.

بشارتی تأکید کرد که معاونین وزرای خارجه ۷ کشور در گردهمایی قریب الوقوع خود در امارات متحده عربی، دستور کار و وزرای خارجه کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس را تهیه خواهند کرد. همزمان با انتشار خبر برپایی کنفرانس ابوظبی، روزنامه "رساله" به نقل از خبرگزاری

آدمیان و هنرمندان جمهوری اسلامی در انتظار فرمان خمینی

کرده و به طرق گوناگون دست چهره‌های خلق و شناخته شده هنر اسلامی را بسته است.

در ادامه این اطلاعیه، ضمن تکذیب فتنه اعضای "حوزه هنری" در برپایی برنامه "عصر سوره" در بهمن‌ماه سالجاری، از مسئولین تقاضا شده است که "هرچه زودتر مشکلات بوجود آمده از سوی جریانی که ترور فرامین و هنر اسلامی را سرلوحه کار خود قرار داده است" به نفع حوزه هنری خاتمه یابد. روز بعد از انتشار اطلاعیه فوق جمعی دیگر از "هنرمندان" رژیم با ارسال نامه‌ای به مطبوعات دولتی تقاضای مسئولان حوزه هنری مبنی بر رفع مشکل حضور "رسانه‌ها" را مورد حمایت قرار دادند.

محسن مخملباف، حمید سبزواری، علی معلم و جمعی دیگر از به اصطلاح هنرمندان رژیم که مسئولیت "حوزه هنری" را بر عهده دارند هفته گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن حمایت از فتوای اخیر خمینی که شامل حال آنان نیز می‌شد خواستار مقابله با فعالیت جناح رسالتی‌ها در "حوزه هنری" شدند.

در بخشی از اطلاعیه منتشره از سوی "حوزه هنری" آمده است: "هم اکنون جریان شناخته شده که اینجاء آتش فرامین و فتاوی رهبری انقلاب را مسکوت می‌گذارد و حتی از تحریف فرمایشات صریح حضرت امام در روزنامه رسالت ابایی ندارد به سرکوب شاعران، نویسندگان و مترجمان حوزه قدام

رئیس دیوانعالی کشور

آزادی در ایران بیشتر از آنچه باید باشد وجود دارد

فعالیت انتخاباتی گروه‌ها و احزاب در چارچوب نظام ولایت‌عالمه فتنی و تشکیل مجمع مشورتی حل اختلاف بران رژیم، بخشی از سناری موسوی اردبیلی در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته در دانشگاه تهران بود. رئیس دیوانعالی کشور در ابتدای خطبه به دستجات و جریانهایی که در آستانه سومین دوره انتخابات مجلس به امید تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم دست به انتقاد از آوازه‌کشی‌ها و سرکوب و اختناق حاکم بر کشور زده اند هشدار داد و گفت: کسانی که با نزدیک شدن انتخابات نغمه سر داده‌اند که آزادی نیست اگر منظور آنها این است که از زبان مردم حرف می‌زنند باید بدانند مردم با حضور گسترده در راهپیمایی‌ها و جبهه‌ها حرف خود را می‌زنند و شما که ولایت فقیه را قبول ندارید اگر دولت امنیت شما را تأمین نکنند و پلیس حافظ جان شما نباشد، چه خواهید کرد؟ موسوی اردبیلی در ادامه همین بخش از سخنان خود در زمینه آزادی و حدود آن در جمهوری اسلامی گفت: "در ایران آزادی در محدوده و چارچوب قانون شرع وجود دارد، حتی بیشتر از آنچه که باید باشد."

مسئله فعالیت و عدم فعالیت انتخاباتی دستجات و گروه‌های وفادار به نظام جمهوری اسلامی یکی از برنامه‌های تبلیغاتی رژیم طی چند ماه گذشته بوده که تاکنون به کرات از زبان مفتخری مورد تأکید قرار گرفته است. ادامه این تبلیغات از آنجا که مسایل تازه‌ای را طرح کرده، چندی پیش با اظهارات محتشمی فروکش کرد. محتشمی در پایان سیف‌آر استافداران سراسر کشور طی گفتگویی با خبرنگاران در زمینه امکان فعالیت احزاب در انتخابات گفت: کشور ما مثل کشورهای غربی نیست که بپایند و مجلس را بر اساس احزاب تشکیل دهند، اینجا کشوری است که خود مردم آزادانه نمایندگان را بدون دخالت حزب یا گروهی به مجلس می‌فرستند. وی در این مصاحبه از قوه قضائیه و وزارت اطلاعات خواست که سوابق عناصر جبهه ملی و نهضت آزادی، و حزب پرادران شیرا و را که با اعلام وفاداری به حفظ رژیم و جلب اعتماد به آن خواهان شرکت در انتخابات مجلس و از سرگیری فعالیت حزبی هستند، مورد بررسی قرار دهند.

هرگز آری مانور حفاظت و امنیت تهران و زاهدان توسط پاسداران

به گزارش مطبوعات دولتی، روز شنبه ۱۷ بهمن واحد‌های گشت، کمیته پاسداران اسلامی تحت عنوان مانور آمادگی فعالیت و امنیت تهران، مرکز کشور را اشغال نظامی کردند و تا پایان عملیات باوژی و سیم در سطح شهر حضور داشتند.

به تأیید سخنگوی روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، طی این مانور ساختارهای اداری و حساس شهر تهران به کنترل پاسداران درآمد و هزاران اتومبیل در حال تردد باوژی شد. در طول روز بخشی از پاسداران در میدانها و مراکز استراتژیک شهر مستقر بودند.

بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، عملیات نظامی مشابهی در استان سیستان و زاهدان نیز به اجرا درآمد.

شکار بیکاران برای اعزام به جبهه‌ها

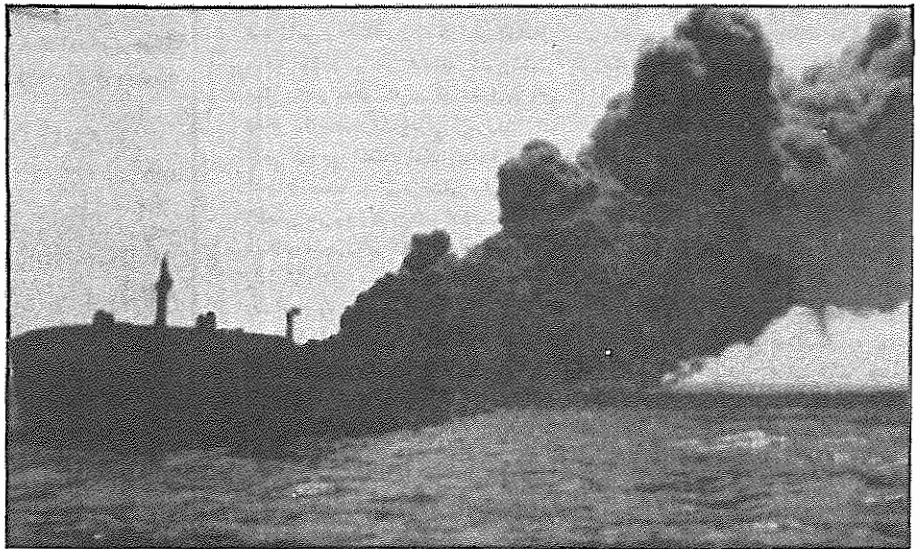
رژیم جمهوری اسلامی برای گسترش دامنه‌سربازگیری و اعزام به جبهه‌ها به روش‌های حيله‌گرانه جدیدی متوسل شده است. یکی از این روش‌ها بدین شکل است که مأموران رژیم با اتومبیل‌های شخصی به اماکنی که بیکاران در آنجا تجمع می‌کنند، رفته و وانمود می‌کنند که به چند کارگر نیاز دارند. سپس بیکارانی را که به امید چند روز پول با شرایط آنها موافقت می‌نمایند، سوار اتومبیل می‌کنند. ولی مستقیماً راهی مراکز اعزام به جبهه می‌شوند و بیکاران را اجبار به جبهه گسیل می‌کنند.

گشتی‌ها در تعقیب مشمولین شهر سنندج

جوانان شهر سنندج مدام با مأموران رژیم درگیرند. آنها با ترفتن به سربازی در برابر فشارهای رژیم ایستادگی می‌کنند. رژیم برای دستگیری مشمولین در کردستان از افراد سپاه، شهربانی و ژاندارمری بهره می‌جوید. شهربانی سنندج در این زمینه سخت می‌کوشد. در هر خیابان شهر حداقل سه گروه گشت پیاده دیده می‌شود که هر گروه از دو پاسبان تشکیل شده است. آنها بدنبال شکار جوانانند و با دیدن هر جوان از او می‌خواهند کارت پایان خدمت و یا مدرکی مبنی بر عدم مشمولیت ارائه دهند. گشتی‌ها گهگاه در مغازه‌ها نیز بدنبال جوانان می‌گردند. هر گروه گشت موظف است روزانه چند نفر مشمول را به کلانتری تحویل دهد. گشتی‌ها پس از دستگیری هر جوان مشمولی به او دستبند می‌زنند و او را با خود می‌برند. جوانان با پیدا شدن سروکله گشتی‌ها سریعاً از منطقه دور می‌شوند و از دست آنان می‌گریزند. بسیاری از مردم برای حفظ جان مشمولین از چنگال خمینی، به آنها پناه می‌دهند. مردم بارها موفق شده‌اند جوانان مشمول در محله‌های مختلف شهر را از دست مأمورین فراری دهند.

استفاده کارتهای بطنی پایان خدمت یا معافی از جمله شیوه‌هایی است که جوانان مشمول برای گریز از سربازی به کار می‌گیرند.

تشدید جنگ تانک‌ها در خلیج فارس



پاسداران به نفثکشان دافمارکی، یکی از مواافقان آن کشته شد و به کشتی فیژ آسیب شدیدی وارد گردید. این نفثکشان حامل نفت عربستان سعودی بود.

عراقی‌ها حملات در دربار روز شنبه با هجوم هواپیما گسترده به تأسیسات نفتی جمهوری اسلامی در جنوب خلیج فارس تشدید کردند. رادیو دولتی ایران ضمن تأیید خبر حمله جنگنده‌های عراقی به تأسیسات ایران در حوضه خلیج فارس، ادعا کرد که این یورش را با سرنگونی سه هواپیمای عراقی خنثی ساخته‌اند.

جنگنده‌های عراقی، علاوه بر حمله به هدف‌های دریایی، روز چهارشنبه یک ایستگاه الکترونیک در شیراز و دو منطقه دیگر را در این استان بمباران کردند. به تلافی این حملات ایران به بمباران منطقه العباره در جنوب شرقی عراق دست زد. عراق گزارش داد که هدف حملات ایران مناطق مسکونی بوده است.

در هفته گذشته جبهه‌های زمینی جنگ فیژ کتابیش فعال بود و طرفین با یورش‌های محدود بر آمار کشته‌های جنگ افزودند. عملیات ایران در منطقه میمک در جبهه میانی صورت گرفت.

در طول هفته گذشته با افزایش شمار حملات قایق‌های توپدار ایرانی و جنگنده‌های عراقی به کشتی‌های تجاری و نفت‌کشهای در حال تردد در خلیج فارس، بر بحران و تشنج این منطقه بیش از پیش افزوده شد. طی هفته گذشته نیروهای جمهوری اسلامی به بیش از ۵۵ کشتی آسیب زدند.

روژ یکشنبه نفثکشان آمریکایی ۶۱ هزار تنی "دیان" که با پرچم لیبریا در آبهای خلیج فارس حرکت می‌کرد در نزدیکی سواحل امارات متحده عربی، از سوی قایق‌های توپدار جمهوری اسلامی هدف قرار گرفت. راکت‌های شلیک شده از سوی قایق‌های ایرانی، به بخشی از کشتی آسیب رساند. حمله به کشتی "کروئیک" روز چهارشنبه از طرف بیمه لویدز تأیید شد. "کروئیک" پیش از ظهر چهارشنبه در جنوب خلیج فارس و در ۶۴ کیلومتری بندر دومی در حالی که حامل نفت عربستان سعودی بود، هدف اصابت قایق‌های پاسداران واقع شد. روز بعد نیز خبر کشتی‌های رویتز، گزارش حمله نیروهای جمهوری اسلامی به نفت‌کش فروزی هاپیکر را انتشار داد. بعد از دسامبر سال گذشته این دومین حمله قایق‌های توپدار به نفت‌کش هاپیکر بود. روز جمعه در جریان هجوم

پاکستان سیزده تن از مزدوران خمینی را آزاد کرد

شدند. دستگیرشدگان اعتراف کردند که به دستور تهران به منظور ترور پناهندگان ایرانی وارد پاکستان شده‌اند.

در زمینه اقدام دولت کراچی برای آزادی مزدوران خمینی خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه مشرق چاپ پاکستان گزارش داد که این عده به درخواست مقامات دولتی ایران به جمهوری اسلامی تحویل داده شدند. به نوشته همین منبع آزادی تروریستهای حزب الهی "ژست حسن‌فیتی" است از سوی کراچی در قبال جمهوری اسلامی و در راستای بندوبست‌های در رژیم علیه پناهندگان ایرانی.

سیزده تن از مزدوران تروریست خمینی که از تیرماه گذشته به علت قتل ایرانیان در پاکستان در بازداشت به سر می‌بردند، توسط دولت این کشور آزاد و به ایران اعزام شدند. این عده جزو مهاجمینی هستند که روز هفدهم تیرماه، سالجاری با حمله مسلحانه به خانه‌های پناهندگان ایرانی در محله کلیفتن کراچی ۲ تن از ایرانیان را کشته و بیش از ۱۴ تن را زخمی کردند. در همان زمان حمله مشابه دیگری نیز در جنوب پاکستان علیه ایرانیان صورت گرفت که طی آن یک پناهنده ایرانی کشته شد.

در پی یورش عده‌ای از مهاجمین کربخته و به ایران بازگشتند و تنها سیزده تن از آنان دستگیر

بغزین به پاکستان و فروش آن در منطقه بلوچستان پاکستان و سپس وارد کردن مواد مخدر و مهیات پیوژه فشنگ به خاک ایران است. این تویوتاها در راه پیشین - منهد در خاک پاکستان، منهد به دیگر شهرهای پاکستان و پیشین - نویندیان و شواحی جنوبی کشور کار می کرده اند.

امینی و عبدالرحمن با بهره برداری از یک شبکه وسیع در سطح بلوچستان و در ارتباط با محمدعلی کشاورز عضو سپاه پاسداران زاهدان، حاجی باقری یکی از مزدوران رژیم در چاه بهار و مسئول سابق سپاه نیک شهر، سراج مسئول شکنجه و فرماده سپاه پاسداران زاهدان، حکیم تیموری از سربرندگان رژیم در بسیج عشایر و از مسئولین به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر در زاهدان مبادرت به توزیع مواد مخدر در سطح کشوری نموده اند.

ابراهیم حوت از سرمایه داران بعد از انقلاب و از همکاران نزدیک امینی و عبدالرحمن بود. اما این همکاری پس از چندی در نتیجه اختلافات و رقابت های موجود بین وی و عبدالرحمن منجر به خصومت می شود. حوت در جهت پیشبرد امور خود مجبور به دادن رشوه ای به مبلغ ۱۲ میلیون تومان به عبدالرحمن می گردد. این رشوه در واقع به باند قاجاقچیان جمهوری اسلامی پرداخت شد تا خود بتوانند با فراغت خاطر به کسب و کارا بپردازند. با این حال بازم مسئول بسیج عشایری پیشین وجوداورا نتوانست تحمل کند و ابراهیم در تیرماه ۶۶ بوسیله سپاه پیشین دستگیر شد. تقدیم چک های ۵۰ هزار تومانی و ۱۰۰ هزار تومانی ابراهیم برای کمک به "جبهه های حق علیه باطل" هم فتواست موجبات آزادی فوری وی را فراهم کند. اما چون او درباره باند امینی - عبدالرحمن اطلاعات زیادی داشت و این خود ممکن بود برای باند قاجاقچیان جمهوری اسلامی در درازنای ایجاد کند، پس از سه ماه از زندان سپاه آزاد گردید. طرفین بغوی ساوش دست یافتند.

پس از این ماجرا، کمیته شهرستان ایرانشهر که از معاملات و دزدیهای قاجاقچیان بی نصیب مانده بود به قضیه مشکوک شد. مسئولین کمیته با ابراهیم حوت تماس گرفته و با شرط همکاری او وعده ریاست کمیته منطقه پیشین را دادند. این تماس در زمانی صورت گرفت که قرار بود کنترل مرزها در آینده نزدیک به کمیته

سازمان مجاهدین خلق شد. در مرحله بعدی که مرحله اجرای برنامه از پیش طرح ریزی شده بود، تعداد دیگری از پاسداران جهت انجام عملیات، توسط شکرزایی و داماد وی به کراچی انتقال داده شدند و در منطقه بلوچ نشین لیاری در محله کلری در مغزل فردی بنام یارمحمد از اهالی "سرباز" که مقیم کراچی است، اسکان داده شدند. انجام عملیات تروریستی پاسداران خمینی در روز ۸ ژوئیه ۸۷ در منطقه دیگش منجر به مرگ سه مجاهد گردید. پس از این عملیات، پلیس کراچی اقدام به دستگیری تعدادی از ایرانیان و افغانی های مقیم کراچی کرد. ۲۰ نفر از پاسداران تروریست در منطقه عملیاتی توسط پلیس

بازداشت شدند. خان محمد شکرزایی شب هنگام اقدام به خروج از کراچی کرد. اما به علت مسدود بودن و کنترل راههای ورودی و خروجی شهر حوالی یک آبادی به نام حب (HAB) دستگیر شد. با اینحال با پرداخت ۵۰ هزار روپیه به پلیس رها گردید و بدون درنگ خود را با ماشین به خاک ایران رساند. پاسداران دستگیر شده به پشتکرمی روابط برادرانه زمامداران دولتهای پاکستان و ایران به عمل تروریستی خود اعتراف می کنند. دستگیرشدگان پس از مدتی بازداشت در کراچی به اسلام آباد منتقل شدند تا در معاملات سیاسی دو رژیم مورد استفاده قرار گیرند. در ماه نوامبر ۸۷ نیز داماد شکرزایی دستگیر و به اسلام آباد فرستاده شد. شکرزایی این ساواکی دو رژیم کماکان به اجرای وظایفی که رژیم خمینی برعهده اش نهاده، پایبند است. خلق بلوچ این پایبندی را بی پاسخ نخواهند گذاشت.

مزدوران جمهوری اسلامی قاجاقچیان مواد مخدر

مسئول بسیج عشایری پیشین و امینی رئیس سپاه پاسداران پیشین از همان ابتدای کار امینی مشترکا دست به قاجاق مواد مخدر زده اند. ایندو از این راه توانسته اند حدود ۶۰ دستگاه توبرتای ۲۰۰۰ خریداری و در منطقه به حمل و نقل قاجاق بپردازند. از جمله اینکارها حمل

خوانین بلوچستان که با وقوع انقلاب بهمین دره راس از آتش انتقام خلق رنجیده بلوچ چند صباحی پنهان شده بودند با تحکیم استبداد مذهبی و ضد مردمی رژیم فقها به تدریج در شهرها و روستاهای بلوچستان آفتابی شدند. بخشی از این غارتگران در پی یک دوره کوتاه جنگ و گریز با رژیم پلید خمینی، به خدمت آن درآمدند. بخش دیگری نیز با تکیه بر کمک های برخی از سرمداران رژیم سابق و همچنین دولت عراق به درگیری با مزدوران جمهوری اسلامی در بلوچستان ادامه می دهند.

ستیز خوانین بلوچ چه آنها که در حال حاضر خدمتگزار رژیم خمینی اند و چه آنها که کماکان به جنگ و گریز با آن ادامه می دهند، اساساً از موضعی ارتجاعی و در راستای اهداف ضد مردمی و غارتگری هر چه بیشتر صورت می گیرد. طرفین این ستیز دشمنان مردم رنجیده بلوچستان اند. اکنون بلوچستان عرصه تاخت و تاژ باند های مسلح خوانین و سپاه پاسداران است. حضور این سربرندگان رژیم گذشته و حکومت کنونی در بلوچستان جز ناامنی، تیره روی و فلاکت بیشتر هیچ ارمغان دیگری برای زحمتکشان بلوچ نداشته است. در زیر اخبار، از عملکردهای آنان از نظر خرافاندگان می گذرد.

بلوچستان

عرصه تاخت و تاز سرسپردگان دورژیم

ریشه های جمهوری اسلامی محکم شده و برای ۳۰ سال مافدینی است، نمی شود و نندگی را به این نحو مختل کرد. باید به خدمت این نظام درآمد. اوسین توسط عبدالرحمن پیشینی به سپاه ایرانشهر معرفی شد و با تعهد خدمت به حکومت فقها به مزدوری رژیم درآمد. از این زمان به بعد سیمای جنایتکارانه وی بیش از پیش برای بلوچ ها پیوژه مردم منطقه "سرباز" آشکار شد. از سال ۶۴ به بعد وی دست در دست ابیادی جمهوری اسلامی همراه با عناصری چون مسئول سپاه عشایری مرزی پیشین و یارمحمد معروف به محمد پُرز و فقیر محمد - سربرده رژیم عراق که خود را به جمهوری اسلامی فروخت - در راستای اجرای برنامه تروریستی رژیم کام برداشت. خان مژبور برای انجام وظایف خود داماد خویش منیر شامی را از تربیت پاکستان فراخوشد و با تکیه به او امکانات سپاه و وظیفه اقدامات تروریستی رژیم در پاکستان را به عهده گرفت. چند ماه پیش ساواکی مژبور و تنی چند از پاسداران ملبس به لباس بلوچی جهت شناسایی نیروهای سیاسی ایرانی در مناطق مرزی و شهرهایی چون کویت و کراچی از مرز گذشته وارد پاکستان گردیدند و پس از یک توقف کوتاه در شهر تربت عازم کراچی شدند. نیروهای سپاه طی مدتی که او پیش تعیین شده بود به شناسایی پناهندگان سیاسی در کراچی پرداختند و موفق به شناسایی یک سری از مغازل نیروهای سیاسی منجمله نیروهای

خان محمد شکرزایی ساواکی شاه و مهره سپاه

خان محمد شکرزایی یکی از مهره های ساواک رژیم سلطنتی در بلوچستان بود. او همدست سعیدی میرانشاهی و بارانزاهی - خوانین و نمایندگان مجلس شاه - است. پس از انقلاب بهمین منافع او نیز مانند سایر مهره های رژیم گذشته به خطر افتاد. وی به یاری دوستان و یاران قدیمی اش منجمله برخی از امرای ارتش شاه شتافت. او نظایبان جنایتکاری را که قصد فرار از ایران را داشتند تا آسوی مرز ایران و پاکستان همراهی می کرد و از این بابت نیز مبالغه کزانی به عنوان حق الزحمه به جیب می زد. فامبرده با استفاده از وجود داماد خود در شهر تربت پاکستان، فراریان را تا فرودگاه کراچی بدرقه می کرد. بین سال های ۵۷ تا ۶۰ فرار دادن مهره های شاه شغل و حرفه اصلی وی بود. بعد از سال ۶۲ که حضور نیروهای پاسدار و کمیته ای در بلوچستان گسترش بیشتری یافت، تحت پیگرد قرار گرفت. بدین خاطر به پاکستان گریخت و مدتی در شهر تربت پاکستان پیر برد. او طی این دوره با دوست قدیم خود عبدالرحمن مسئول سپاه عشایری روستای مرزی "پیشین" تماس برقرار کرد و از وی خواست تا جهت کسب برائت او سپاه پاسداران ایرانشهر یاری اش کند. شکرزایی در فاصله زدندهای عبدالرحمن با سپاه پاسداران ایرانشهر توافق با همالکی های قدیمی خود در شهرهای لوس آنجلس و نیویورک دیداری تازه کند. این ساواکی قاجاقچی پس از بازگشت از آمریکا می گفت دیگر

سپرده شود. ابراهیم که چشم انداز تازه‌ای جهت کسب منافع بیشتر و در عین حال مقابله با عید الرحمن می‌دید، پیشنهاد کمیته را پذیرفت. در آبانماه زمانی که وی از انجام ماموریتی در پاکستان به خاک ایران باز می‌گشت، سیاه پاسداران در صدد برآمد که او را قبل از رسیدن به پیشین در آنسوی مرز ترور کند، اما موفق به انجام آن نشد. ابراهیم حوت پس از بازگشت کلیه اطلاعاتی را که راجع به رئیس سیاه پیشین و رئیس سیاه عثایی پیشین (امینی و عبدالرحمن) و باند قاچاق آنها داشت، در اختیار مسئولین کمیته نهاد. کمیته‌چی‌ها که متوجه شده بودند طی یک دوره طولانی از چسبیدن سرشاری بی‌پایه مانده بودند، در صدد انتقام از سردمداران باند برمی‌آید. آنها با حمله به منزل عبدالرحمن در پیشین موفق به کشف ۱۴ کیلو مروتین، دو قیضه کلایشتکف و مقدار زیادی فشنگ گردیدند.

مردان هزار چهره

فقیر محمد اسکائی رئیس یک باند مسلح و یکی از مزدوران دولت عراق در منطقه شوار مرزی ایران و پاکستان بود. او تا سال ۶۵ باور مرتب از رژیم صدام حسین پول و اسلحه دریافت میکرد. در ابتدای فعالیت، این باند عده‌ای از عثایی بلوچ با این تصور که فقیر محمد در راه

احقاق حقوق ملی آنها مبارزه می‌کند به او پیوستند. اما پس از آگاهی از ماهیت واقعی اهداف او از باند نامبرده رو برگردانده و فقط عده معدودی جهت دریافت پول و از این طریق گذران زندگی با او ماندند. فقیر محمد جهت تبلیغ باند خود و ایجاد توهم در میان مردم و مهمتر از آن بخاطر تعهداتی که به رژیم بغداد سپرده بود، هر از گاهی دست به عملیات نظامی در بلوچستان می‌زد. پس از مدتی او جهت دریافت باج از دولت جمهوری اسلامی به عبدالرحمن مسئول بسیج عثایی روستای پیشین مراجعه کرده و از طریق وی موفق به کسب مبلغی پول می‌گردد. در این رابطه طرح تحویل عناصر اطلاعاتی رژیم عراق به فقیر محمد پیشنهاد می‌شود. معامله سر می‌گیرد و فقیر محمد طرح را به اجرا می‌گذارد. یکی از مامورین اطلاعاتی عراق به جمهوری اسلامی تحویل داده می‌شود و در ازای این عمل دو دستگاه ماشین توپوتا کروژ و مبلغی بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان بعنوان دستمزد به او باندش داده می‌شود. ناوبرده از آن پس بعنوان مکار نوذیک سیاه اقدام به فعالیت می‌کند. او در ارتباط با انتقال پاسداران از ایران به پاکستان جهت اجرای ماموریت‌های تروریستی نقش عمده‌ای ایفا کرد و با همکاری امینی رئیس سیاه پیشین و احمدپور و محمدعلی کشاورز

از اعضای سیاه زاهدان، حاج باقری مزدور رژیم در چاه بهار، سراج فرمانده سیاه زاهدان و حکیم تیموری دست به ایجاد شبکه‌ای جهت جعل و نشر اسکناسهای صد تومانی زد. جعل اسکناس‌ها در شوار مرزی در خاک پاکستان انجام می‌گرفت و سپس از کانال عبدالرحمن به امینی و به شبکه ایشان در سرتاسر استان می‌رسید پس از آنکه ابراهیم حوت - همکار سابق امینی و عبدالرحمن اطلاعات خود را در اختیار کمیته نهاد (در خبر مزدوران جمهوری اسلامی، قاچاقچیان مواد مخدر در بلوچستان به چگونگی این همکاری اشاره شده است) مامورین کمیته به کسب نظامی فقیر محمد در خاک پاکستان در شوار مرزی حمله برده، با آرمی، جی آفرا متهم می‌کنند. در این حمله دوش از نیروهای باند مسلح فقیر محمد به هلاکت رسیدند و ماشین چاپ اسکناس و تعدادی اسلحه موجود در کسب به تصرف کمیته درآمد. برخی از اعضای باند و افراد دست‌اندرکار، از این ماجرا جان سالم بدر بردند و در آذر ۶۶ به پاکستان گریختند.

باند های مسلح خوانین

* در درگیری‌هایی که چندی پیش در مناطق لشار و کفارک بین نیروهای محمدخان (از خوانین بلوچ) و رژیم صورت گرفت، چهار نفر از طرفین کشته شدند. پس از این

حادثه باند مسلح خوانین به سرکردگی خداداد میرلاشاری از منطقه خارج و به کراچی گریخته است. * در اواخر آذرماه سال جاری سه تن از خانهای بلوچ بغامهای حاجی ابوبچان مبارکی، قدوس خان (سراوان) و حاجی سالی از بلوچهای آهوران در صدد برآمدند که بین نیروهای مسلح کریم خان و افراد محمد خان که به علت رقابت‌های شخصی و بدست آوردن پول و امکانات بیشتر از اربابانشان با یکدیگر اختلاف دارند، صلح و روابط دوستانه برقرار کنند. کریم خان خواسته است که یک سوم پول و امکاناتی را که در دوسال اخیر از رژیم عراق تحویل گرفته به او بدهد و از نیروهای کریم خان سه گروه مسلح تشکیل و به هر کدام ماهانه ۲۰۰ هزار روپیه بپردازد. یا اینکه هر ماه یک سوم مبلغ دریافتی از عراق را به کریم خان بپردازد. محمد خان با این خواسته‌ها مخالفت کرده و گفته است که از آنچه در گذشته به ما داده‌اند چیزی ندارم. ولی از زمانی که گروه کریم خان با ما ارتباط برقرار کند مثلاً به او خواهیم پرداخت.

* عیدی از افراد وابسته به گروه محمد خان است. اخیراً تعدادی از حدود ۵۰ قیضه مسلسل کلایشتکف که در اختیار وی بود، مفقود شده است. این موضوع خشم محمد خان رهبر گروه را برانگیخته و موجب بحث و جدل شدیدی بین این دو شده است. ●

سرمایه‌های کلان، ...

بقیه از صفحه اول

فاش می‌سازد. در آنجا از جمله فاش شده است که سازمان بیمه‌های اجتماعی در مدت ۱۲ سال - از سال ۵۴ تا ۶۶ - مبلغ ۱/۴۰۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یک تریلیون و ۴۰۷ میلیارد ریال) از اقشار مختلف مردم و عدا کارگران که به عبارتی آنها را بیمه شده می‌نامند، حق بیمه دریافت کرده است. پس علت تاحدودی روشن می‌شود، علت پاشخ ندادن و عدم حابرسی قانونی دفاتر سازمان بیمه‌های اجتماعی و وزارت بهداشت و درمان، در "اندکی" مبلغ است.

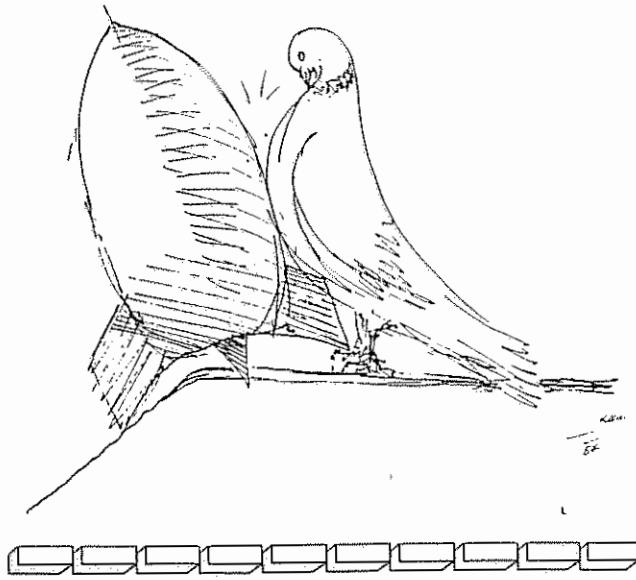
سازمان بیمه‌های اجتماعی که درآمدش تماماً از حق بیمه پرداخت شده - حدود ۲۰ درصد حقوق کارگران و حقوق بکیران - تامین شده است،

دوسوم درآمد را در عرصه‌های "عام المنفعه" و لزوماً "به موجب قانون بدون حابرسی" و یک سوم را در حساب وزارت بهداشت و درمان واریز کرده است. سازمان بیمه‌های اجتماعی با سرمایه گردآمده مبادرت به سرمایه‌گذاری در عرصه‌های سود شمرده و از آن جمله است سرمایه‌گذاری در اتحادیه آلومینیوم، شرکت صنایع، شرکت آتوا، شرکت اشتارت، عایق پلاستیک، که روح بیمه شدگان از کم و کیف سود و زیان این سرمایه‌گذاری‌ها اطلاعی در کف ندارد.

بدین ترتیب "سازمان بیمه‌های اجتماعی" که ماحصل تکامل "سازمان بیمه کارگران" است، از سرمایه هنگفت گردآمده که به تریلیون رسیده است، نه در عرصه بهداشت و درمان،

که در عرصه آلومینیوم و پلاستیک دود چستونه تنها در احداث بیمارستان و کلیفیک، گامی نهاده است، بلکه با واریز کردن یک سوم از سرمایه به وزارت بهداشت و درمان، از وظیفه اصلی نیز سرباز زده است. وزارت بهداشت و درمان هم کمترین قدم موثری در حق بیمه شدگان برنداشته و با عدم پرداخت به موقع حق ویویت پزشکان، که گاه تا ۱۰ ماه به تعویق می‌افتد، دفترچه‌های بیمه درمانی را از اعتبار عملی ساقط و بیماران بیمه‌ای را از درمان محروم کرده است. سازمان بیمه‌های اجتماعی و وزارت بهداشت و درمان و آموزش‌های پزشکی، درست بهمین علت است که به موجب قانونی و نظیفه‌ای جهت اعلام نحوه مصرف و صورتحساب حق بیمه‌های دریافتی راه هیچ دستگاهی ندارد. ●

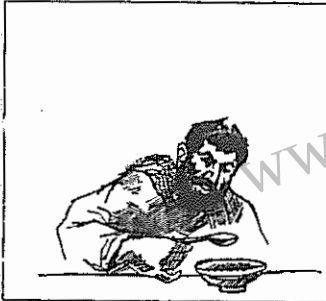
پرویز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



مطرود و منزوی

متن زیر که نفرت مردم از آیدای خمینی را از زبان یک پاسدار بیان می‌کند از روزنامه کیهان ۸ بهمن گرفته شده است.

رستوران که شدم مثل اینکه غریبه بودیم. تمام چشمها بطرفمان خیره شد صاحب رستوران در قدم اول سعی کرد ما را ده گشت با لحنی گشت: «متأسفانه برج نداریم بهتر است به فلان رستوران که چند قدمی با اینجا فاصله دارد بروید» ولی ما که خسته و گرسنه بودیم گفتیم: «برنج نمی‌خوریم با نان و کباب راضی هستیم» چند دقیقه‌ای که مشغول شام خوردن بودیم مثل پیمانان مسری همه از صفا دوری می‌کردند و در این مدت هیچ خبری از پیشخدمتها نبود. خانواده‌ای وارد رستوران شدند وانی خواستیم پول را بپردازیم صاحب جلوه‌ای به یکی از پیشخدمتها گفت: «پنج صفت جلوه‌ای بیا برای آن عزیز» و بی‌سببی...



وارد شهر شدیم.

جلو جلوه‌ای پیاده شدیم. راننده اول خجالت کشیدیم که با آن سر و وضع خاکی و سیاه و با چکمه‌های کالی وارد رستوران شویم ولی چاره‌ای نبود. وارد

عملیات خاتمه یافته بود و کار ما هم همچونین. آفتاب داشت غروب می‌کرد که بچه‌ها سوار وانتها شدند. از آبادان که گذشتیم هنوز بوی گاز خردل از فضای آن سوز می‌رفت. صاحب غروب غبارگیری بود. از بچه‌ها هیچ کس حرف نمی‌زد همه بوی خسروشان بسودند و فیسکر می‌کردند. دست در جیب کردم و وسایتم‌های را که چند روز پیش نوشته بودم در آوردم و به آن نگاه می‌انجامیدم. یاد آن روز افتادم. وسایتم‌ها را در شرایطی نوشته که هوا پاهای عراقی بکوبد و بوی خوشای می‌رویدند و فرمانده سرگرم جعبه‌های می‌نوشتند... من هم تند و تند سرم را بلند کردم. ماشین بودند. تصمیم گرفتم در یکی از رستورانهای شهر چیزی بخورم. می‌رفت ساعت ۹ شب بود که

بازار پشت بازار می‌سازند اما از مدرسه و بیمارستان...

کیهان
پنجشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۶

و اگر بود این به روز بازار می‌سازند... ابتدا فکر کردم هتل است ولی با کمی توجه دیدم به هتل شبانه‌تاری ندارد بعد فکر کردم بیمارستان است؟ باز هم نه مدرسه؟ و یا... مدتی گذشت تا خون شیر شد و سیمان و آهن شکل بنا را مشخص کرد. بهانه قضای زبدا و سبب شکوه برج‌ها است. ولی آخر وسط شهر قلعه نظامی چه می‌کنند؟ یک روز که دیگر طاقت تمام شده بود از اتوبوس پیاده شدم و خودم را به ساختمان رساندم آجرهای نازک خوش رنگی در دست کارگران سیاهی و خشونت سیمان و آهن را پنهان می‌ساخت. راستی چه می‌توانست باشد؟ تابلوی زرد رنگ مشخصات کامل بنا را نوشته بود: «پروژه بازار گوهر شاد، مجری طرح اداره اوقاف استان خراسان».

گویی در شهر (مشهد) همه سایل و کمبودها حل شده است مسکن کمبود مدارس با کلاسهای هفتاد نفری با سه شصت مسکن کمبود بیمارستان، مسئله کمبود مسکن و کمبودهای دیگر...

خوب تازه می‌فهمیدم که تنها مشکل ما بازار است که همچون قلعه‌ای با آخرین تکنیکهای مهندسی و جراحی و تبلیغاتی در وسط شهر بنا شده است. البته واضح و مبرهن است که ثروت را همیشه در قلعه محفوظ می‌دارند تا از دستبرد چوری و جنگی بدور باشند! در هیچ جایی دنیا مدرسه را بصورت زینتی و تجمیلاتی بسط قلعه نمی‌سازند.

چرا که علم را حفظ نمی‌کنند، چون به سختی بدست می‌آید پس نگهداری از آن آسان نیست به حکمی ثروت را چون سلفه بدست می‌آید باید از هر جهت در نگهداریش کوشا بود! مثلاً نمونه آن کتابخانه دانشگاه ادبیات اصفهان است که چندی پیش آتش گرفت. اگر اهل علم دوراندیشان بودند کتابخانه را هم به شکل کتابخانه می‌ساختند تا یک قلم هفته هزار کتاب نرسد.

از آن گذشته علم را می‌شود در صحنه‌ای هم آموزش ولی آیا می‌شود هر چنین جایی جوراب

تب کردن خامنه‌ای

از موسوی اردبیلی شوال شد: «ریاست جمهوری در نامه به امام مرقوم نمودند... آنچه من در کتاب جمعه مطرح کردم در صورت لزوم روشن خواهیم کرد. بنظر شما چه موضوعی است که باید روشن شود». وی پاسخ داد: «ایشان (خامنه‌ای) با ما صحبت کرد و خدمت امام هم عرض کرده که نظرش چیست، ایشان این حرفها را مثل ما قبول دارد. ایشان سوالی داشت که آیا ولی فقیه می‌تواند نظام را عوض کند؟ و چیز دیگری نبود» (رسالت ۲ بهمن)

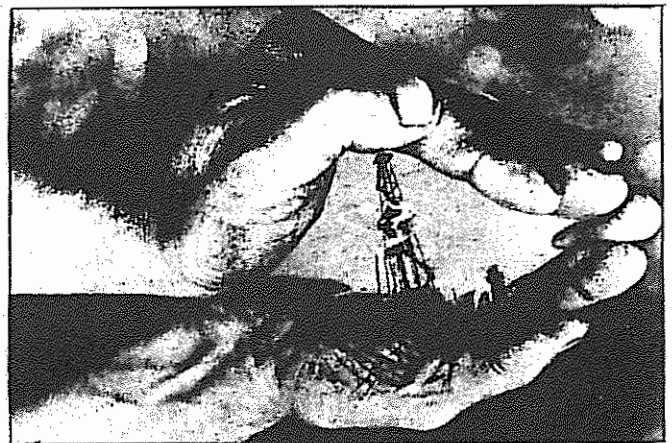
در سمینار «تبیین ولایت مطلقه فقیه» در قم، موسوی اردبیلی قاضی القضاة خمینی به پرسشهای حاضرین در جلسه پاسخ داد. وی درباره علت عدم حضور خامنه‌ای در سمینار سراسری ائمه جمعه در تهران پس از سرزنش شدن از خلیفه چهارم گفت: «ایشان تب داشته و مریض بودند و من قبل وبعد اوسمینار خدمت ایشان رسیدم. البته روژ سمینار تب ایشان قطع شده بود، اما ضعف مفرط داشتند».

صرفه جویی

کننده زندگی من همین است. الان هم... بپایید ببینید ایام تابستان بیکاری مختصری به اصطلاح، از درخت‌هایم یک مقداری خاکه و ذغال تهیه می‌کنم، و احتیاجی به گاز و بخاری و نفت این طرف و آن طرف و هزار گرفتاری را ندارم و همه ابعاد زندگی دینارم، نیز اینگونه است. این آخوند، افزود با این همه صرفه جویی، سرپرستی "۳ همسر شهید را به عهده دارد. در قاموس جمهوری اسلامی، "سرپرستی همسر شهید" به معنای سو استفاده از تیره‌روزی زنان کشته‌شدگان و "صیغه کردن آنهاست.

آخوند صالحی، نماینده اصفهان در مجلس: اگر ما تدبیر زندگی و مدیریت زندگی را جوری قرار بدهیم و بر اساس قناعت به آنچه خود داریم برنامه زندگی خود را تدوین کنیم، همیشه عزت مسلمین برقرار است و سالیان هزار با دشواری استکبار و کفر، قدرت چنگیدن داریم، من با اینکه نمی‌خواستم هیچ وقت بگویم، ولی چاره‌ای ندارم می‌گویم خود عمل کرده‌ام و می‌کنم از باب نمونه ۲۰ سال پیش دوتا کرسی خریده‌ام به ده تومان، ۲۰ سال است همه وسایل گرم

"نفت"



عکس از الکساندر پیتسین

شهامت مصلوب

۱۴ سال پیش دانشیان و گل سرخی را تیرباران کردند



از آخرین شعرهای

رفیق خسرو گل سرخی

هیه

نه آنکه نگرانی سرد است
که من در نهانم کولاک
پنجا تمام هیماه جهان را
انبار کرده‌ام در پشت خاندام
و در نگر بک باغ آتشم به تنهایی
من هیماه برادر خوب
بشکنم مرا برای اجاق سرد انانتم آتشم بزن
من هیماه برادر خوب

بهمن ماه ۱۳۵۲ - سلول دو، بند وسط
اولین قدیم

تفاوت غم

شهامت مصلوب
بر دارم آن
در این کویر بی‌زمندی های عمومی
در ناگزیری بی‌گبر این نیاز
شب را به قامت هریامداد
آویختم

بر این دهانه سیراب ناپذیر
این نیاز
باید که کورید این نیاز هرزه درانی
برخیز و همراه ما بخوان
چاووشی
بر انتحار تمامت ترسویان
در این شبان ساکت غیبار
باید سپیده
سلاح شهامت ما باشد



هر خلقی، به یکی از خصایل
برجسته انسانی عشق و احترام ویژه‌ای
دارد. حماسه‌هایی که نسل‌ها، دهان به
دهان و سیفه به سیفه به هم منتقل
می‌کنند، هر یک مهر و نشانی او یک
بفصلت برجسته دارد، خصلتی که
لبخند لبها و برق چشمان مردم،
قدردانی از آن را پادشاه می‌دهد.
در فرهنگ آموزش کفاری مردم
ایران، مجموعه خصایلی که یک
"پهلوان" را می‌سازد، بسیار
عزیزند. "پهلوانی" شهامت هم هست،
اما فقط این نیست. پهلوان، جسور
است، فروتن است، قلب مهربانی
دارد، راستگوست...

آنچه خسرو گل سرخی و کرامت
دانشیان را در دل مردم ما ایستاد
بر ارج و قرب کرد، حماسه پهلوانی
آنها بود که رژیم شاه با نشان دادن
دقایقی بسیار کوتاه او آن در
تلویزیون، اشتباه بزرگی مرتکب شد.
فردای شمایش فیلم، این حرفها دهان
به دهان می‌گشت: "چه مردی!"
"جوارشان کرد!" "عجب شجاعتی!"

و صفتنامه فدائیان خلق گل سرخی و دانشیان

صفتنامه غیرارثی معدوم خسرو گل سرخی فرزند قدیر در سحرگاه روز
۵۲/۱۱/۲۹
من یک فدایی خلق ایران هستم و شغافنامه من جز عشق به مردم پیروی دیگر
نیست. من خشم را به توده‌های کرسه و پابرهغه ایران تقدیم می‌کنم و شد
آقایان فاشیست ما که فرزند ان خلق ایران را بدون هیچ گوشه‌مردکی به قتل‌گاه
می‌فرستید ایمان داشته باشید که خلق محروم ایران انتقام خون فرزند خود را
خواهد گرفت. شما ایمان داشته باشید از هر قطره خون ماصدها فدایی برمی‌خیزد
و روژی قلب همه شما را خواهد شکافت شما ایمان داشته باشید که حکومت
غیرقانونی ایران که ۲۸ سیاه مراد به خلق ایران توسط آمریکا تحمیل شده در
حال احتضار است و دیر یا دیر با انقلاب قهرآمیز توده‌های ستم‌کشیده ایران
درو و واژگون خواهد شد.

شاعر و نویسنده خلق ایران خسرو گل سرخی (امضا)

و ضمناً یک عدد حلقه پلاتین (طلاسفید) و مبلغ یک هزار و دویست ریال
و به نقد به خانواده ام یا و نم بدهد.
خون ما پیرهن کارگران، خون ما پیرهن دهقانان، خون ما پیرهن
سربازان، خون ما پرچم خاک ماست.

صیت نامه غیرارثی معدوم کرامت الله دانشیان در سحرگاه روز ۵۲/۱۱/۲۹
مردم ستم‌کش ایران همیشه فرزندان جان پرکف خود را در راه مبارزه
بسیار از دست داده‌اند. این شرط مبارزه و جفایی است. فدائیکاران، ان
جان‌گلشکی‌ها، مقاومت‌ها کمر دشمن را خواهد شکست و این خام‌ترین خیال
است که مدام فرزندان مردم در اثر خیز انقلابی کشته شوند. این خیال فقط در
ذهن دشمنان مردم می‌تواند وجود داشته باشد. چنین اوج خواهد گرفت. همه گیر
خواهد شد و کارگران، کشاورزان و اقشار تحت ستم و ننگی نوین وسعادتند را
صاحب خواهند شد. مرگ ناچیزترین هدیه ما برای پیروزی مردم است. هر
مرگ دریچه‌ایست که بروی تبهامی ما بسته می‌شود و هر مرگ دریچه‌ای است که
بر روی دروغ، فحشا فقر و کسبگی بسته خواهد شد و آنگاه دریچه‌ای پاؤ خواهد
شد که از آن شور و فکری پتاید. باین نورتن پیاریم، به این شور.

فدایی مردم کرامت دانشیان
(امضا)

شعبه‌بید هم‌فکرین دفاع دوستم گل سرخی
را، اما من دفاعم، جز دفاع از حقوق
توده‌های فقیر و تحت ستم و حمله به ضد
انقلاب و دشمنان قسم‌خورده مردم،
چیز دیگری نیست... اگر وحشتی او
نیروی انقلابی و مبارزات مردم
ندارید و در واقع به مرگ طبقه حاکم
بر ایران مومن نیستید، تاریخ این
واقعیت را نشانمان داده و خواهد
داد. ایمان ما به پیروزی جبهه نوین
ایران و سراسر جوامع طبقاتی جهان،
عظیم‌ترین قدرت است. و این را
بهترین که مارکسیسم هیچگاه مورد
خوشایند طبقه حاکم و وابستگان آنها
نیست." و شدگی دانشیان، سراسر رفیع و
رزم بود. در سال ۱۳۲۵ در خانواده
فقیری در شیراز متولد شد. بخاطر
تنگدستی، ناچار بود سراسر تحصیلات
را با کار توأم کند. از نخستین سالهای
تاسیس مدرسه عالی تلویزیون در این
مدرسه ثبت نام کرد و در عین حال، در
مدارس شبانه چغوب شهر تهران درس
می‌داد. نخستین فیلم او،
"دولت آباد" نام داشت که
محرومیت‌های مردم شهری را تصویر
می‌کرد و او را از مدرسه اخراج کردند. از
آن پس، کرامت آموختار شد و در عین
حال، در هر جا که بود چه در ارتباط و
بقیه در صفحه ۱۳

دانشیان و گل سرخی را دوباره به
بیدادگاه نظامی بردند. آنها در هر دو
بار، از خلق خود، از شرف و حیثیت
انقلابی و انسانی خود جانناشه دفاع
کردند و داغ شگ بر پیشانی رژیم شاه
و مزدورانش کوبیدند. این سخنان
بر صلابت گل سرخی تا ماهها در گوش ما
طنین افکند بود:
"مردم ایران باید بدانند من به
خاطر آنکه دوستان دارم کشته
می‌شوم. جامعه ایران باید بداند که
من در اینجا صرفاً به خاطر داشتن افکار
مارکسیستی محاکمه می‌شوم و در دادگاه
نظامی محکوم به مرگ گشته‌ام. من در
این دادگاه که آقایان و
ژرنالیست‌های خارجی حضور دارند
اعلام می‌کنم که علیه این پرونده و
علیه حضور رای صادره او دادگاه
نظامی عادی به تمام مراجع و
کمیته‌های حقوقی و قضایی جهان اعلام
هرم می‌کنم و این مسئله‌ای است که
به واقع باید بدان توجه شود. دادگاه
عادی حتی این وحشت را به خودش
نداده که پرونده را بخواهد."
او دانشیان مردم بسیار کم
دیدند و عقیدند. دفاعیات او تاجان
آتش به جانها می‌افکند که جز لحظاتی
کوتاه، چیزی از آن بخش نشد.
"در بیدادگاه اول بها به شرایط
فاشیستی حاکم بر آن، دفاع مرا ناتمام

رؤییم ترکیه ۱۰ پناهنده ایرانی را به جمهوری اسلامی تحویل داد

رؤییم آمریکایی ترکیه باردیگر ۱۰ پناهنده ایرانی را به جمهوری اسلامی تحویل داد. در روز ۱۹ بهمن (۸ قوریه) ۷ نفر و در روز ۲۲ بهمن ۲ نفر دیگر توسط مقامات ترک تسلیم دژنیمان خمینی شدند. از سرنوشت این عده هنوز هیچ خبری در دست نیست.

۱۰ پناهنده ایرانی همگی تحت پوشش صلیب سرخ بین‌المللی قرار

داشتند. پس از اقدام شکنین رؤییم ترکیه، عده‌ای از پناهندگان ایرانی در ترکیه به عنوان اعتراض در برابر مقر نمایندگی صلیب سرخ در آنکارا گرد آمدند. مقامات صلیب سرخ به پناهندگان ایرانی گفته‌اند که از دست آنها شیو کاری ساخته نیست و دولت ترکیه این سازمان را فیو تحت فشار قرار می‌دهد.

رؤییم اورن - اوزال سابقه

نفکینی در تحویل دادن پناهندگان ایرانی به جمهوری اسلامی دارد. مقامات آنکارا هر از چندی در چارچوب معاملات ضد بشری خود با حکومت فقها، چندن از پناهندگان ایرانی را تسلیم دژنیمان می‌کند.

هم‌میغان ما در ترکیه که تروریسم هار خمینی آنها را به ترک دیار و مهاجرت واداشته است، به

همیستی همه ما نیاز دارند. دست بدست هم دهیم و با اعتراضات خود، با چشم‌آوری کمک مالی و اعزام آن از تانانهای مطمئن برای موطنان آواره‌مان در ترکیه، و از هر طریق دیگری که می‌توانیم، به آنها یاری رسانیم. نگذاریم جان پناهندگان ایرانی دستخوش بند و بست‌های نفکین آخوندها و ژنرال‌های ترکیه شود!

حاکم شرع خمینی و مسئله کمبود کپسول گاز

بخشی از یک نامه :

"... در ولایت فهاوند، چند سالی بود که موجودی به اسم حبیبی که اخیراً معلوم شد اسم اصلیش مولانی است، در مقام حاکم شرع به قلدری و آزار و اذیت مردم می‌پرداخت کمتر خانواده‌ای است که به طریقی از این فرد صدمه ندیده باشد. یا عزیزی از افراد خانواده اعدام شده یا شکنجه دیده به زندان افکنده شده است و یا اینکه مجبور به پرداخت باج و رشوه به این فرد گشته است. در میان گرفتار شدگان به چنگال حبیبی از چندن از قضات دادگستری، پزشکان و آموزگاران نیز می‌توان نام برد. مدتی پیش بر اثر کشمکش‌ها و رقابت‌های میان مسئولین رؤییم در

نخواستند و به دلیل نزدیکی بودن انتخاب مجلس پرده از بسیاری چنانیات حاکم شرع برون افتاد که اکنون ماجرای آن دهان به دهان بین تمام اهالی نقل می‌گردد.

بر حسب اتفاق یکی از نزدیکان آخوند زمانی به تیغ حبیبی گرفتار آمده و زندانی می‌شود که پس از مدتی، آزادی می‌شود. وی پس از آزادی نزد زمانی رفته و آثار شکنجه را به نماینده مزبور نشان می‌دهد. زمانی که موضوع را برای وارد آوردن ضربه به حریف مناسب می‌یابد. ساله را به کمیسیون‌های مجلس و محافل حکومتی می‌کشاند. "حکومت شرع" از حبیبی گرفته می‌شود و خودش زندانی می‌گردد. برای تبلیغ و عوام‌فریبی از مردم خواسته می‌شود که هر کس که زندانی دارد و یا زندانی شکنجه شده و آزاد شده بوده است، برای رودرویی با حبیبی به محل دادگستری فهاوند مراجعه کند. در دادگستری غوغا می‌شود. شاید نیمی از مردم نیاوند به این محل مراجعه می‌کنند. مسئولین برای حفظ حبیبی از

مجموع مردم و قطعه قطعه شدن اوتداییر شدید امنیتی اعمال می‌کنند و اظهار می‌دارند که "رودرویی" روزها ادا می‌خواهد داشت و این "آقا" به سزای اعمالش خواهد رسید.

تعداد بی‌شماری زندانی شکنجه شده که آثار بی‌چون محل‌های سوختگی عمیق، اثرات کابل، شکستگی‌های دنده، مهره، در بدن آنها مشاهده می‌شد و همچنین تعدادی زن که بر اثر کتک‌های شدید دچار سقط جنین شده بودند، در میان مراجعه کنندگان بودند. این افراد هنگام رودرویی با حبیبی با انداختن تف بر سر روی او شتم خود را نشان حاکم شرع رؤییم خمینی می‌کردند.

فیروهای جناح مقابل دارودسته حبیبی برای وارد کردن ضربه هر چه کاری‌تر به حریف حتی برخی از زندانیانی را که حبیبی احکام از ۵ تا ۲۰ سال زندان برایشان صادر کرده بود، با گرفتن دو روز مرخصی از تهران به فهاوند آوردند تا شکنجه‌های اعمال شده را شرح دهند. بالاخره حبیبی اتهامات را پذیرفت و محل شکنجه‌گاه نیز در فیروزآباد در جاده فهاوند، باختران مجیز به انواع وسایل شکنجه علنی گردید. افراد دستگیر شده را در این محل مجبور می‌کردند پرورده‌های از پیش تنظیم شده را امضا کنند. حداقل ۵ نفر که اسامی آنها افشا شد در زیر شکنجه جان خویش را از دست داده‌اند. یکی از کسانی که مورد شکنجه مامورین حاکم شرع خمینی قرار گرفته است، یکی از شکنجه‌ها را به صلیب کشیدن و آویزان کردن کپسول گاز از هر کدام از پاها، تشریح کرده است. مردم که این خبر را شنیده‌اند در شوخی‌های خود همین امر را علت ناپایی کپسول گاز در کشور ذکر می‌کنند."

از زندگی مهاجرین ایرانی در پاکستان

وداشتن آتیه به باوکت به ایران است. مهاجرین همواره به اخراج تهدید می‌شوند. روزنامه پاکستان تایمز در شماره ۱۲ دسامبر خود می‌نویسد: "دولت پاکستان در حال آماده کردن مقدمات اخراج ۴۰۰۰ مهاجر غیرقانونی است که در شهرهای مختلف پاکستان وفندگی می‌کنند و بدون مدرک معتبر وارد پاکستان شده‌اند." این روزنامه سپس می‌افزاید اخراج شونده‌گان آنها می‌خواهند بود که طی ۲ سال گذشته وارد پاکستان شده‌اند و موفی به گرفتن "موقعیت پناهندگی" نشده‌اند. بدین ترتیب خطر اخراج اغلب ایرانیان مهاجر را تهدید می‌کند چرا که همه آنها "بدون مدرک معتبر" وارد پاکستان شده‌اند.

پلیس به صاحبان مغاؤل هشدار داده است که "اگر فهاغه‌های خود را در اختیار افراد فاقد مدارک قانونی مهاجرت قرار دهند مجازات فهامند شد" (دیلی فیوژ ۵- ژانویه). بدین ترتیب از نظر پلیس یک مهاجر از حق وفندگی در زیر یک سقف هم محروم است. او مجبور است برای اجاره یک خانه پول کزافی بپردازد. با تبلیغات مسموم ضد پناهندگی مبارزه کند و تا آنجا که می‌تواند او دید پلیس بفهان بماند.

هم اکنون بر اساس آمار غیر رسمی حدود ۱۵۰۰۰ ایرانی در کراچی زندگی می‌کنند اما طبق اظهارات آقای کلدالف ۱۰۰۰ اورتس رئیس کمیسیاریای عالی سازمان ملل - شعبه کراچی، تنها ۱۱۰۰ نفر تحت پوشش این نهاد قرار دارند. (دیلی فیوژ ۱۲- ژانویه) به عبارت دیگر قریب ۱۴۰۰۰ مهاجر ایرانی در کراچی بسر می‌برند که از هرگونه امکافی برای فجات او وضعیت موجود محرومند. دولت پاکستان تهدید به اخراج

روز ۲۹ دی (۱۶ ژانویه) یک پناهمجوی ایرانی در کراچی دست به خودسوی با آب جوش زد. اود را اثر اقدام به موقه‌اطرافیان از مرکز شجات یافت و اکفون در بیمارستان بستری است. این پناهمجویس او ماهها اقامت در پاکستان موفی به اخذ کارت پناهندگی از سوی دفتر کمیسیاریای عالی سازمان ملل فنده و در عرض فقط فرم شماره ۲ یعنی "فرم آوارگی" را دریافت کرده است.

یک رو قیل او این حادثه نیز تعدادی از پناهندگان و پناهمجویان در اعتراض به عدم توجه مسئولین دفتر کمیسیاریای عالی به خواسته‌های در مقابل ساختمان این دفتر دست به اعتصاب غذا زده بودند. این عده پس از چند روز توسط پلیس دستگیر شدند.

این گونه حرکت‌های اعتراضی که طی دو سال اخیر بارها بوقوع پیوسته است، گویای شرایط بقایت سخت و توانفرسایی است که زندگی در پاکستان را به شکنجه در یک زندان واقعی تبدیل کرده است.

پناهمجوی ایرانی از زندان بیداد خمینی می‌گریزد. اما بعضی آفکه پا در خاک پاکستان می‌نهد باوندان دیگری روبرو می‌شود. او همان اولین لحظه ورود و خطر دستگیری و بازگشت اجباری به ایران او را تهدید می‌کند. برخی از مهاجرین در همان زمان ورود دستگیر می‌شوند و برخی نیز قیل از آنکه بتوانند با دفتر کمیسیاریای عالی تماس بگیرند در راه کراچی دستگیر می‌شوند. آتیهایی هم که خود را به شهرهای بزرگ و بویژه کراچی می‌رانند، هیچ روزی را بدون دلهره بسر نمی‌برند. سیاست عمومی دولت ضیا الحق که روابط برادرانه آن با رؤییم خمینی بر کسی پوشیده نیست، اعمال فشار فزاینده بر مهاجرین و از این طریق

می‌کند. پلیس رشوه می‌گیرد
و زندانی می‌کند. تروریست‌های
جمهوری اسلامی ترور می‌کنند.
کمیساریای عالی سازمان ملل
به خواستهای روح‌الله مهاجر بر باسو

فیلیپین: اکینو، کودتاچیان و نیروهای انقلابی

مصاحبه ای با خوزه ماریاسیون، از رهبران چپ انقلابی فیلیپین

"اکثريت" در شماره های گذشته خود، ضمن مقالات متعددی به اوضاع سیاسی فیلیپین پس از سرنگونی مارکوس پرداخت. از جمله در سال گذشته ترجمه مصاحبه ای با خوزه ماریاسیون از رهبران چپ انقلابی فیلیپین و بخیا نکذار حزب خلق (پایان) از نظر خوانندگان فشرده گذشت. در این شماره، ترجمه مصاحبه جدیدی را که ماهنامه "بولتن اطلاعاتی ضد امپریالیستی" چاپ آلمان فدرال باسیون انجام داده است، درج می کنیم.

* زمینه های کودتای نافرجام ۲۸ اوت ۱۹۸۷ به دست گروهی از فکامیان به رهبری سرهنگ گریفکو هوفاسان، که در فهم دسامبر ۱۹۸۷ دستگیر شد و تا آن هنگام متواری بود، کدامند؟

** هم جناح آکینو و هم جناح اثریله (وزیر دفاع پیشین در زمان مارکوس و آکینو - اکثريت) ابزاری در دست ایالات متحده اند. جناح آکینو کماکان از حمایت وزارت خارجه آمریکا برخوردار است. اما جناح اثریله نیز روابط خوبی با بخش هایی از پختاکون و سیا داشته است.

جناح اثریله، که گروه مسلح هوفاسان جزئی از آن محسوب می شود، با ارائه مدارکی فزاینده و سیاه باره تقلب های گسترده انتخاباتی توسط جناح آکینو، شکایت برد و پاسخ های مساعدی از ریچارد استیونل ژنرال پختاکون، وابسته های نظامی ایالات متحده و شوربهرت کارت، رئیس مرکز سیا در مانیل، دریافت داشت.

این پاسخ های مساعد به مثابه چراغ سبزی برای یک توطئه کودتا تعبیر شدند. بدین ترتیب ماجرای ۲۸ اوت ۱۹۸۷ پیش آمد. جنبه هایی وجود داشت که نشانگر این بود که هدفهای توطئه کودتا فراتر از اهداف کودتا های تاهری معمول بود.

* آیا به نظر شما دولت ریگان یا مقامات مجن آمریکایی یا بخشهایی از نیروهای مسلح ایالات متحده در سلسله توطئه های کودتا از ژوئیه ۱۹۸۶ به بعد دخالت داشتند؟ نیکلاس پلات سغیر آمریکایی چندی بار بطور غیر مستقیم تایید کرده است

کوی و افرادی در هنگام کودتای نافرجام ۲۸ اوت با هوفاسان تماس داشته اند. و اخیراً نیز در مجلس کنگره "تحقیقات"ی درباره دخالت ادعایی آمریکا در این واقعه اعلام کرده اند. به نظر شما "سفریو"ی واقعی آمریکا در قبال دولت آکینو کدامست و ایالات متحده چگونه می تواند با مبارزه مسلحانه روبه رند که تحت رهبری کمونیست های مقابله کند؟

** تا ۲۸ اوت، تنها کودتا های ظاهری و شایعه هایی درباره کودتا وجود داشت تا بر آکینو اعمال فشار شود.

منشأ این اقدامات، آمریکابود که می کشید و کلای مدافع حقوق بشر از کابینه آکینو کنار گذاشته شوند، از آکینو قول مساعد برای تمدید قرارداد پایگاه های نظامی آمریکا گرفته شود، پیروی از تحمیل های سیاسی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تقویت گردد و سیاست "جنگ با شدت کم" به پیش برده شود.

سفریو واقعی آمریکادر سطح کاخ سفید و شورای امنیت ملی در این است که آکینو بر سر قدرت ننگ داشته شده و تضمین گردد که در خط آمریکا باقی خواهد ماند.

آمریکا تاجایی که ممکن است از آکینو در برابر جنبش انقلابی بهره می گیرد. اما ایالات متحده سایر امکانات رانیز در برابر خود باز نگه می دارد. از جمله این امکان که اگر آکینو شریخی خود را به پای یک ابزار از دست دهد، حمایت از او قیام شود. ادامه رشد جنبش انقلابی می تواند بدان بیانجامد که ایالات متحده از این بابت همه تقصیر را متوجه آکینو بداند.

* همانگونه که مورد پذیرش همگان است، پایگاه های نظامی آمریکا کماکان مهمترین علاقه استراتژیک آمریکا در فیلیپین را تشکیل می دهند. از این گذشته، این پایگاه ها محبوب ترین مسئله در سیاست خارجی دولتند. به نظر شما این مسئله بالاخره چگونه حل خواهد شد؟

** در همان صبح روز دهم نوامبر ۱۹۸۶، آکینو از طریق فیلیپ حبیب به آمریکا قول داد که پایگاه های ایالات متحده را پس از ۱۹۹۱ نیز ننگ دارد.

این امر ظاهراً بخشی از توافق میان آکینو و اثریله بود.

رژیم آکینو قطعاً حفظ پایگاه های نظامی آمریکا پس از ۱۹۹۱ را به این بهانه توجیه خواهد کرد که فیلیپین دچار مضائقه مالی و نیازمند اجاره بهای پایگاه ها است.

* رشد جنبش مسلحانه و غیرمسلحانه ابوریسیون علیه دولت آکینو از هنگام به قدرت رسیدن او را چگونه ارزیابی می کنید؟

آیا هنوز هم مانند گذشته گمان می کنید نیروهای انقلابی می توانند ظرف سه الی پنج سال به "موازنه استراتژیک" بانیروهای دولتی دست یابند؟ اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد با پیاده کردن نیرو و تسلیحات بسیار مجهز مداخله کند، این ارزیابی متغی نخواهد شد؟

** این ارزیابی که نیروهای انقلابی می توانند ظرف سه الی پنج سال پس از ۱۹۸۶، به موازنه استراتژیک دست یابند، در حال حاضر تخمینی محافظه کارانه است. هستند کسانی که خویش بیغاشد فکر می کنند و معتقدند این امر ظرف دو الی سه سال ممکن است.

باید در نظر گرفت که نظام حاکم، دستخوش یک روند تلاشی است، روندی که در جریان آن جناح های سیاسی عمده طبقات استثمارگر با حمایت عمده نظامی علیه هم وارد عمل می شوند. همچنین باید تناسب قوای فعلی میان انقلاب

مسلحانه و دولت ضد انقلابی را در نظر گرفت. هم اکنون ۱۰ هزار چریک حرفه ای با سلاح های اتوماتیک، ۲۰ هزار رزمده دیگر چریک، چندهزار شبه نظامی که آموزش فیرد دیده اند و دهها هزار شبه نظامی که می توافند و تلایف پشتیبانی را برعهده گیرند، وجود دارند. پایگاه توده ای، دارای گستره ای برابر ۱۰ میلیون نفر تحت نفوذ ارگان های قدرت سیاسی مردمی و سازمان های توده ای است.

طرف مقابل، دارای ۴۰ هزار نفر نیرو در ۸۶ گردان عملیاتی، به اضافه ۱۲۰ هزار تن نیروهای پشتیبانی، ۵۰ هزار پلیس و ۵۰ هزار نفر پرسنل شبه نظامی است. برای دستیابی به موازنه

استراتژیک کافی است نیروهای انقلابی تنها ۲۵ هزار چریک حرفه ای با سلاح های اتوماتیک و سایر سلاح های دارای قدرت آتش زیاد داشته باشند. همانگونه که پیش از این نیز گفتیم، دیگر افزایش از ۱۰ به ۲۵ هزار نفر یک رویا نیست. رشد جنبش انقلابی مسلحانه، خود زاینده ادامه رشد آن است.

* آیا درست است که بگوئیم مرحله دفاع استراتژیک، در روند تحول است؟ آیا تاکتیک "جنگ با شدت کم" به پیشروی جنبش انقلابی پایان نخواهد داد؟

** این گفته شما که مرحله دفاع استراتژیک هنوز در روند تحول است، درست است. پس از طی این مرحله، مرحله موازنه استراتژیک و پس از آن، تهاجم استراتژیک فرا خواهد رسید. این مراحل، محتمل ترین راه تکامل مبارزه را تشکیل می دهند.

گمان نمی کنم سیاست "جنگ با شدت کم" با موفقیت تمام باشد. طرح آمریکا بدین قرار است که برای کشتار فیلیپینی ها، از فیلیپینی ها استفاده شود، به کادرها و پایگاه توده ای جنبش انقلابی ضربه وارد آید و جنگ روانی - از جمله قتل و کشتار - برای ارباب مردم گسترش یابد.

کادرها و نیروهای انقلابی در برابر دشمن بی دفاع و از میان بردنی نیستند. کشتار و کوچاندن اجباری، تنها به اعتبار رژیم دست نشاندۀ لطمه خواهد زد و مردم بیشتری را متقاعد خواهد ساخت که به جنبش انقلابی پیوندند.

* قرارگاه سیا در فیلیپین، برای مراقبت دراز مدت، جنگ روانی و حمایت مالی از گروه های مزدور و جوخه های مرگ، ۱۰ میلیون دلار دریافت داشته است. پاسخ جنبش انقلابی به عملیات پنهانی سیا چه خواهد بود؟

** ایالات متحده، پیروزه سیا و پختاکون، می خواهند با قتل فعالین سازمان های قانونی توده ای و ائتلاف های علنی، جنبش انقلابی را ریشه کن کنند. پاسخ منطقی جنبش انقلابی این است که مبارزه مخفی را تقویت و فعالینی را که دیگر قادر

از رنج و رزم زنان کارگر

* گزارشی از وضعیت یک کارگاه بافندگی در ترکیه

کردن پشت بام‌ها برعهده‌شان است، یکی از همکارانشان که در مورد تعویق پرداخت دستمزدش اعتراض کرده بود، به شدت مورد اهانت قرار گرفته بود، همکار دیگری با لگد از دفتر کارفرما بیرون انداخته شده بود. ۴ تن از دوستانشان حق استفاده از غذا و جای در حین کار را او دست داده بودند. وقتی این چوا به سایر کارگران سرایت کرد، کارفرما تمام آن را مقاومت جمعی گذاشت و پای ژاندارمری را به میان کشید؛ کتک خوردن و اضافه کاری مجانی و... از جمله مجازات‌های دیگر بودند. در مقابل این فشارها و تهدیدها ۲۰ تن از کارگران مجبور به ترک کار شده و به همین تعداد نیز اخراج شدند. تعداد زیادی از عضویت سندیکا استعفا دادند. آخر سر تعداد کارگران به ۷۰ نفر و تعداد کارگران عضو سندیکا به ۲۰ نفر تقلیل یافت.

ژنان کارگر این کارگاه علاوه بر مبارزه برای سندیکا مبارزه دیگری را نیز به خاطر یک قرارداد مناسب علیه کارفرمایان ایپلیک- ایش دنبال می‌کنند. که در این زمینه موفقیت‌هایی نیز داشته‌اند... کارگران این کارگاه به ارزان فروخته شدن نیروی کارشان واقفند و می‌گویند که در سندیکا خیلی چیزها آموخته‌اند و تصمیم رایج به ادامه مبارزه در راه سندیکا را دارند.

به نقل از گزارشی در روزنامه جمهوری‌پت چاپ ترکیه

"شایبه در حالیکه از درد معده شدید به خود می‌پیچید به سایر دختران کارگر با صدایی خفیف و حاکی از درد اشاره کرد که می‌خواهد به خانه‌شان برود. ساعت ۲ نصف شب بود و پنج ساعت و نیم بود که آنها به طور مداوم کاری کردند. همه به سوی درویدند و هر کس سعی می‌کرد کسکی بکشد، ولی فایده‌ای نداشت چون که عصرها در را به رویشان قفل می‌کردند و تا ۸ صبح نیز دریا نوس می‌شد. یکی از کلیدها نزد کارفرما و دیگری در دست فکهای بود. کسی چه می‌داند که او چندمین خوابش را می‌دید. مدت‌ها دختران کارگر به دیوار می‌کوبیدند... بالاخره دریا نوس شد. شایبه را چند نفر به خانه‌اش که در همان نزدیکی بود بردند و با خواهش که مجبور بود تا ساعت مقرر به جای شایبه کار کند برگشتند. در دوباره قفل شد. همه به این فکر می‌کردند که اگر اتفاق بدتری می‌افتاد چه می‌شد؟ اگر کارگاه آتش می‌گرفت؟ قبلاً فقط مردان شب کاری داشتند. اکنون سه ماه است که این دختران برای این امر افتخار شده‌اند. آنان حاضر به استعفا از سندیکا و مبارزه برای آن نبودند و به همین علت از طرف کارفرما تحت فشار قرار داشتند. آنها می‌دانستند که این آخرین فشار خواهد بود. فشارها و آزارهای قبلی قابل شارس نبود. به عنوان کارگر بافنده استخدام شده بودند ولی مجبور بودند برای ساخته شدن یک طبقه تازه آجرها و سیمان‌ها را حمل کنند؛ بعد از هر بارندگی تمیز

شهادت مصلوب

بقیه از صفحه ۹

چه بدون ارتباط با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و تنها با الهام از اسناد و رهنمودهای سازمان، به فعالیت سیاسی ادامه داد. در سال ۴۹ یک بار دستگیر و در سال ۵۰ آزاد شد. مدتی پس از آزادی، با محفل رابطه برقرار کرد که طرح گروگان‌گیری ژن شاه و پسرش را برای آزادی زندانیان سیاسی در سر داشتند. گروه، پیش از اقدام، لو رفت و اعضای آن دستگیر شدند.

جارت دانشجویان هنگام دستگیری و بازجویی، و با نژد زندانیان سیاسی بود. در کمیته شیراز، در همان لحظات نخست پس از

باو داشت، وقتی یکی از بازجوها به او توهین می‌کردند به بازجوها می‌خورد و با ضربات مشت، آنها را خونین و مالین می‌کند. بعد از آن، بازجوها هنگام بازجویی او، یکی دو متر فاصله را رعایت می‌کردند. جرات کرامت، حتی برخی از مزدوران را واداشته بود که به او احترام بگذارند.

گلرخی، شاعر خلق، در اسارت نیز از سخن باو نایستاد، شعری که در صفحه ۹ چاپ کرده‌ایم، در اولین روزهای حیات خسرو، در بهمن ۵۲ سروده شده است.

در جریان تسخیر زندان قصر به دست مردم، وصیت‌نامه‌های گلرخی و دانشجویان به دست سازمان ما افتاد.

ملحانه است.

واقعیت این است که بسیاری از جبهه‌های جنگ چریکی به حدی گسترش یافته‌اند که مراکز شهرها و مراکز استانها را شامل می‌شوند. روشن است که نظام حاکم دستخوش روند فروپاشی است. اما مسئله این است که جنبش انقلابی هنوز وسایل کافی برای به دست گرفتن قدرت در شهرها و حفظ آن را در اختیار ندارد.

انقلابیون السالوادور کوشیدند از پیروزی شیکاراکو الگو برداری کنند. اما آمریکا و ارتجاع محلی دیگر آماده جلوگیری از قیام مسلحانه در شهرها شده بودند. در فیلیپین، آمریکا و مرتجعین داخلی همواره مراقب بوده‌اند. یک اقدام فاکهانی به رهبری هسته اصلی ۱۰ هزار نفره، شانس موفقیت ندارد.

اما راجع به فکر تبدیل مبارزه پارلمانی به شکل اصلی مبارزه برای تدارک قیام‌های مسلحانه باید بگویم جنبش انقلابی اگر به جمع‌آوری اسلحه از طریق حملات تاکتیکی ادامه ندهد، هرگز قادر نخواهد بود قیام مسلحانه شهری را رهبری کند.

وقتی می‌گوییم مبارزه مسلحانه شکل اصلی مبارزه انقلابی است، این بدان معنی است که این شکل، مهمترین و شریک‌ترین راه حل مسئله محوری کسب قدرت سیاسی است. این به معنای محدود کردن اشکال علنی مبارزه نیست. این اشکال را می‌توان تا هر حد گسترش داد. اشکال قانونی، به پیشرفت جنبش انقلابی مسلحانه یاری می‌رسانند. اما برای کسب قدرت سیاسی، اشکال قانونی مبارزه کفایت نمی‌کند.

به کار علنی نیستند، بدان جذب کند، بگذارد تا جنبش دمکراتیک قانونی، خود را حفظ و تقویت کند، پسیدگی نظام را افشا نماید و ضربات متقابل به امپریالیستها وارد آورد.

جنبش انقلابی مجاز است به پرسنل نظامی، مقامات و تاسیسات آمریکایی حمله کند، زیرا ایالات متحده به قوه خود می‌کشد به تجاوز دائمی یاری رساند، عملیات پنهانی را رهبری کند و حتی رهبران و اعضای غیر مسلح سازمانهای ترقیخواه قانونی را بکشد.

جنبش انقلابی مسلحانه واقف است که دولت آمریکا تنها زمانی تحت فشار افکار عمومی و ادار به عقب‌نشینی از ویتنام شد که نیروهای آمریکایی متحمل تلفاتی معادل ۵۰ هزار کشته و صدها هزار مجروح شده بودند.

* آیا شما در جریان برخی عقاید رایج هستید که می‌گویند راه درست پیروزی کامل جنبش انقلابی، قیام مسلحانه در شهرهاست و زمان جنگ طولانی خلق به سر رسیده است؟ یک عقیده دیگر مبتنی بر پیشبرد مبارزه پارلمانی به مثابه شکل اصلی مبارزه در رژیم آکینو و پیوستن به شورش در صورت احیای حکومت فاشیستی است. نظر شما درباره این عقاید چیست؟

** چه بخواهیم و چه نخواهیم، جنگ خلق در فیلیپین دراز مدت است. اکنون ۱۸ سال است که این جنگ ادامه دارد. سمت گیری به سوی قیام مسلحانه در شهرها، آفهم تنها با ۱۰ هزار سلاح اتوماتیک به عنوان هسته اصلی نیروها، به معنای در معرض نابودی قرار دادن جنبش انقلابی



پلیس فیلیپین برای مقابله با انقلابیون کمونیست آموزش می‌بیند

نقد نو سازی بر سطح و وضعیت کنونی علوم اجتماعی

از یک اخلاقیات و انانیت.

علنیت و شفافیت آن ابزاری است که جامعه به کمک آن به عرصه های زندگی و از جمله عرصه دانش راجع به نظارت خود درمی آورد. اگر شفافیت و علنییت گسترش نیابد محتوای کاری موسسات علمی نیز چندان تغییری نخواهد کرد.

علم تنها می تواند در جریان بحث ها و تبادل نظرهای سازنده تکامل یابد. بحث هایی باید درگیر شود که در جریان رویارویی نظریات، به منظور یافتن حقیقت، شناخت های فوینی از دل آنها زاده شود و در مقابل از دست هایی باید اجتناب ورزید که حقیقت را وایل کرده و می کشند. مدام سئوالات تازه ای سر برمی آورند و جواب هایی شو در برابر آنها گذاشته می شود. این پویایی نشان می دهد که حقیقت در احصاء هیچ کس نیست. اگر به فکته آگاه باشیم، بحث و گفتگوی علمی به یک فیروی محرکه شتاب برانگیز تبدیل می شود.

باید از برخورد متکبران به پیشنهادهای افراد غیر متخصص اجتناب ورزید. شوسازی (پروسترویکا) میلیونها شهروند شوروی را به مشارکت سیاسی فعال برانگیخته است. درک هر یک از آنها از مسائل دارای یک هسته ژوین حقیقت یک زاویه دید تازه و یکرویک جهان نگر است. استقلاله است. ژوای تاوه همواره سرمنشا کشفیات شکفت آورده اند.

نیروی های تکامل بخش علوم اجتماعی تماس با زندگی است. آنجایی از نگرش تاریخی پیروی می شود که به گفته لنین "تئوری به عمل درآید، از طریق عمل ژنده باشد، از طریق عمل تصحیح شود و از طریق عمل به اثبات رسد." تاثیر در عمل و تمرین بخشی واقعی نتیجه و در عین حال ضامن دموکراسی، علنییت و جوسالم تحقیق علمی است.

* * *

روند پدید آمده به دنبال پلغوم کمیته مرکزی در آوریل ۱۹۸۵ و کنفره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۶ و تصمیمات پلغوم ژانویه ۱۹۸۷ امیدهای بسیاری برانگیخته و چشم اندازهای شوینی را کشوده است. جامعه به حرکت درآمده است. حرکت آغاز شده و بازگشتی در کار نیست.

چز مارکسیسم-لنینیسم خلاق چه چیزی می تواند و باید پیروی در اعماق را تشمین کند؟ چه چیزی چن دانش اجتماعی می تواند و باید به مسائل رووکار ما و مساله تکامل سوسیالیستی پاسخ دهد؟

در علم تاریخ بخش نه چندان کمی از دانشمندان، عمدتاً در این زمینه تخصص یافته اند که نظریات شبه علمی نویسندگان بورژوازی را افشا کنند، بی آنکه در این عرصه منابع را مورد مطالعه مستقلانه قرار دهند، ایده های علمی خودشان را ارائه کنند و از نظریات ارائه شده نقادی به عمل آورند.

تاریخ حزب به عنوان یک علم، مسائل درجه اولی را در برابر ما قرار داده است. تعداد متخصصین تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی کم نیست، اما در این زمینه هنوز مسائل مهم بسیاری کاوش نشده باقی مانده است. اخیراً برخورد انتقادی به آن دسته از تاریخ نگاران حزب، که بر حقایق چشم پوشیده اند، فرونی گرفته است. عدم پیروی از اصل تاریخی گری، ژودون نام و نقش شخصیت ها در رویدادهای تاریخی، به جا گذاشتن "لکه های سفید" (بخش های نمانوشته) در تمام طول دوره ها، و تصویرگری شاتیک و بی رنگ، اینانند اهم افتقاداتی که به حق متوجه تاریخ نگاران حزب است.

دوره های مهم و پیچیده و متعددی در تاریخ حزب ما می بایست از نو مورد مطالعه قرار گیرند. لازم وفاداری کامل به اصل تاریخی گری و اصل حقیقت جوینی این است که اژه مرحله درسهای لازم گرفته شود. در چو ویژه شوسازی، دانش ژرفش یافته در زمینه گذاشته، خدمت شایانی به حال و آینده می کند.

دموکراسی در علم

و تلایف بسیار مهمی در پیش روی ما قرار دارد. یک پرسش داغ و حاد این است که تحول در علوم اجتماعی، در پرتو سازمان یابی کنونی کار تحقیقی و در چو اخلاقی امروزین نهادهای تحقیقاتی تا چه حد پیش خواهد رفت؟ پاسخ این پرسش پیش از همه بستگی به افکشاف دموکراسی در علم اخلاق علمی دارد. دموکراسی در علم یک شیوه فرهیخته حل تضادهاست و نه حل تضادها به صورت اجباری. بردباری و احترام در برابر نظریات دیگران، به هیچ رویه معنی صرف نظر کردن از موضع خود نیست. این شیوه فرهیخته بر پایه خود آگاهی و احترام بدان از سوی دیگران است، بر پایه قابلیت روشنی افکندن بر روی مسائل و روش ساختن افشاهاست، و نتیجتاً متکی بر اصلیت راستین است که چدا

می گیرد. متاسفانه قلمرو موضوعات اخلاقی-فلسفی تا حد زیادی ناشناخته مانده است. نتیجه آن شده است که همگامی که یک نفر به مسائل "جادو شده" و فشار آور معنی و مفهوم زندگی، تصمیمات اخلاقی و مستدل سازی اخلاقی کردار خود می اندیشد، کم پیش می آید که به فیلسوفان و اخلاق شناسان حرفه ای رجوع کند.

در زمینه کار بر روی کمونیسم علمی نیز ورطه های کمی وجود ندارد، هر چند که بحث بر روی موضوعات، قوانین و مقولات آن پیش از یک ربع قرن است که آغاز شده. این بحث طولانی، مغوژ بسته فشفده است. تعجبی هم ندارد، چر آنکه یک خصلت صوری یافته است، در دایره آگاهی "تاب" می چرخد و خود را محدود به تشریح ذهنی این یا آن مقوله، و دیدگاه های مغفرد و بعضاً دلخواهانه فرموله شده می کند. آثاری که در زمینه کمونیسم علمی نوشته شده اند اساساً به دسته حاشیه نویسی و آثار دره دوم تعلق دارند. مولفین عمدتاً به امر انکشاف نظریات و مفاهیم می پردازند و رویدادهای واقعی را در مرکز توجه قرار نمی دهند.

در جامعه شناسی نیز به همینسان وضع بغرنج شده است. بسیاری از آثار جامعه شناسی در سطح فاولی از کیفیت قرار دارند. مولفین اغلب صرفاً به توصیف تاب، و تفسیر ساده شده مسائل تکامل اجتماعی و افکار عمومی بسنده می کنند. جامعه شناسی مغوژ چاپکاه خود را در علوم اجتماعی تعیین نکرده است.

رشته مطالعه بر روی روابط ملی نیز از توجه به واقعیت روگردان است. اثباتی مجموعه کثیری از ارزیابی های کهنه شده، دکماتیک و بیگانه از یراتیک در این رشته به مراتب فراتر از رشته های دیگر است.

مغوژ این تضاد واقعی بررسی شده است که از چو روبا از میان رفتن اختلافات طبقاتی و تاثیر یابی بیشتر آرمانهای مشترک در شیوه زندگی و روان افشاهای، اختلافات غیر طبقاتی حاصل از تفاوت در شکل، فرهنگ، آداب و رسوم، سن، ملیت و زبان نمود برجسته شونده تری می یابند. این موضوع باید به صورت جدی کاویده شده و بر روی چشم انداز آن پیش بینی صورت گیرد. باید بتوان از پیش برای تصحیح عملکرد سیاسی و بهبود برنامه های تکامل اجتماعی و کار تربیتی، آمادگی داشت.

و تلایف مقرر شده در کنفره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی، مساله تکامل آگاهی اجتماعی، این سرچشمه پایان ناپذیر توش و توان جامعه را، به مساله ژنده و مبرمی بدل کرده است. موضوع دو جنبه متقابل مشروط و مربوط به یکدیگر دارد: جنبه اول، ضرورت ارتقای "کیفیت آگاهی" تا سطح شوین دقت و شفافیت علمی، و بالندگی آموزش و فرهنگ، و اطلاع مندی و وسعت دید است. جنبه دوم این است که علم باید به اعتقاد و اعتقاد باید به عمل تبدیل شود. در این زمینه نقش ویژه ای بر عهده علوم اجتماعی است. تقویت بنیه اقتصادی وزیر ساخت جامعه، دموکراسی سوسیالیستی و قلمرو تعلیم و تربیت مساله غاض و واحدی را تشکیل می دهند که برای تحلیل و بررسی تئوریک آن، وسعت نظر و برای کار بست عملی فتایج این بررسی هدفمند، و توانمندی ضرورت می یابد.

شوسازی (پروسترویکا)

افتقارات زیادی از دانش فلسفی دارد. امروز در این عرصه بریدن از واقعیت، بر یک روش خود ویژه "استدلال تئوریک" متکی می شود. آن هنگام بی به چنین گرابشی می بریم که می بینیم چگونه آموزش لنین در زمینه شناخت حقیقت - بر مبنای حرکت از مشاهده ژنده به سوی تفکر مجرد و از تفکر مجرد به سوی یراتیک - به شکل تحریف شده ای تفسیر شده و به کار بسته می شود. شناخت تئوریک همواره باید معایوف به عینیت واقعی باشد. در این گرایش عملا این هدفموند لنین ژیر یا گذاشته می شود.

در عین حال گرایش دیگری وجود دارد که به همینسان باید مورد توجه قرار گیرد: در غلقتیدن به تجربه گرابی و صرفاً پرداختن به توصیف، کم نیستند آن دسته از آثار فیلسوفان، ویا دیگر دانشمندان علوم اجتماعی، که صرفاً بر روی توصیف مشاهدات و یا این یا آن پدیده و رخداد مترکزند، بی آنکه به تعمیم تئوریک آنها بپردازند.

ما باید از این امر به شدت ناخرسند باشیم که چرا دانش شوروی در زمینه تحقیق مسائل پیچیده مربوط به "انسان و راههای فعال سازی عامل انسانی" عقب مانده است. به مسائل مربوط به دنیای درون انسانها باید بهای بسیاری داد. دقیقاً حول همین مسائل است که بیشترین رویارویی های ایدئولوژیک صورت

موج اعتصاب در بریتانیا

از روز دوشنبه هفته گذشته (۸ فوریه) ۲۲۵۰۰ کارگر کارخانه‌های اتومبیل‌سازی فورد در انگلستان دست به اعتصاب زدند. از روزهای آخر هفته گذشته دریاوردان نیز در حال اعتصاب به‌سر می‌برند. کارگران معادن زغال سنگ نیز دست به اعتصاب زده و استخراج معادن را کاملاً متوقف کرده‌اند. اغلب مدارس در شهر لندن به‌خاطر اعتصاب معلمان به صورت تعطیل درآمده‌اند. پیش‌بینی می‌شود که حرکتیای اعتصابی علیه سیاستهای کابینه مارگارت تاچر گسترش بیشتری یابد. تاچر از بودجه عمومی می‌کاهد، کارخانه‌های دولتی را به بخش خصوصی می‌سپرد، سیاست اخراج کارگران را پیش می‌برد، دستمزدها را پایین می‌آورد و بر سرخ خدمات دولتی می‌افزاید. مضمون همه اعتصابات مبارزه با این سیاست‌هاست.

اخبار کوتاه

* جبهه فارابوندومارتی (اف. ام. ال. ان. - جبهه دمایی بخش در السالوادور)، سوپو (جبهه رهایی بخش در نامیبیا و کنگره ملی آفریقا (ا. ان. سی) با صدور بیانیه مشترکی در سان‌سالوادور انتشار یافت، اعلام کردند اتحاد عمل انترناسیونالیستی خود را در عرصه جهانی علیه امپریالیسم، دیکتاتوری و نژاد پرستی گسترش خواهند داد.

* در هفته گذشته کنفرانسی مالکف، که پس از استالین ست دبیر کلی حزب کمونیست شوروی را برای مدت کوتاهی عهده‌دار بود، در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

* اولین اجلاس هیات‌های نمایندگان اتحاد شوروی و چین برای حل اختلافات مرزی دو کشور پس از ۱۲ روز تبادل نظر در روز دوشنبه هفته گذشته در مسکو به‌کار خود پایان داد.

* درمبای‌تی، انتخابات شهرداری‌ها نیز مورد تحریم قاطع عموم خلق قرار گرفته است. در اولین انتخاباتی که صورت گرفت، تعدادی از مهندسان از شرکت کنندگان در انتخابات رئیس جمهوری نیز کمتر بود. به‌غیر از آمار افزایش یافته آووسی اپوزیسیون در انتخابات رئیس جمهوری تنها ۵ درصد واجدین شرایط شرکت داشتند.

* هفته آینده مذاکره بین دولت نیکاراگوئه و نیروهای کفتر (ضدانقلابیون) اوسر گرفته خواهد شد. دور قبلی مذاکرات، که به پیشنهاد دولت نیکاراگوئه بود، با انصراف نیروهای کفتر اقلیم شده بود. عدم تصویب کمک پیشنهادی ریکان به کفتر در کنگره آمریکا، ضد انقلابیون را وادار کرده است پیشنهاد مذاکره را بپذیرند.

* در روز پنج‌شنبه هفته گذشته برای نخستین بار در طول سال جدید رهبران دو حزب عمده اپوزیسیون در کره جنوبی بایکدیکر دیدار کردند. مضمون دیدار بررسی امکان اتحاد حزب تجدید وحدت و دموکراسی (ا. د. یی) و حزب صلح و دموکراسی (پی. آر. دی) در جریان انتخابات مجلس بود.

* میخائیل گورباچف، روز ۱۵ ماه سال جاری رابه عنوان روز آغاز خروج نیروهای شوروی از افغانستان اعلام کرد.

نزدیکی ترکیه و یونان

پس از دیدار سه هفته پیش تورکوت اوژال سخت‌وزیر ترکیه و باپاندرو نیخست‌وزیر یونان اعلام شد که در هفته گذشته کاندمیر وزیر خارجه ترکیه به یونان سفر کرده است. به دلیل اختلافات شدید، سالها بود که بین مقامات بلندپایه ترکیه و یونان، خاصه پس از حمله ترکیه به قبرس در سال ۱۹۷۴ دیداری صورت نمی‌گرفت. اختلافات بین ترکیه و یونان همراه یکی از مشکلات عمده رهبران ناتو بوده است.

اعاده حیثیت از بوخارین

سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی در روز ۵ فوریه در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که او نیکلای، بوخارین اعاده حیثیت حقوقی شده است. بوخارین ۱۹ نفر دیگر در ماه مارس سال ۱۹۳۸ از سوی دادگاه‌های شوروی به اتهام "توطئه برای سرنگونی دولت، رابطه با سازمانهای جاسوسی بیگانه، خرابکاری و تروریسم" به‌مرگ محکوم شده بودند.

اعاده حیثیت قضایی از بوخارین و بی‌مورد بودن اتهامات وارده به او در ۱۹ نفر متهم دیگر، پس از بررسی پرونده آنان از سوی کمیسیون که پرونده فجایع دوران استالین را بررسی می‌کند، اعلام شده است.

از سرگیری مذاکرات سبایی در السالوادور

السالوادور به دست عمل حکومتی قطع شده بود

اخیرا بر اثر فشار خلق، مبارزه اپوزیسیون انقلابی و همبستگی بین‌المللی، گروهی از زندانیان سیاسی السالوادور آزاد شدند. به همین مناسبت به ابتکار کمیته دفاع از زندانیان سیاسی (کوپس) تظاهراتی برگزار کردند که در آن زندانیان سیاسی آزاد شده نیز شرکت داشتند. عکس‌و‌نگاره‌ای از این تظاهرات را نشان می‌دهد. شعارهایی که در دست تظاهرکنندگان است، چنین معنی می‌دهد: پیروزی، "کوپس"، پیروزی خلق است.



تداوم

جنايتكارى‌هاى صهيونيست‌ها

در هفته گذشته اسحاق شامیر، وزیر دفاع اسرائیل در یک سخنرانی اعلام کرد که سرکوب فلسطینی‌ها در مناطق اشغال شده ادامه خواهد یافت. وی بار دیگر مخالفت دولت اسرائیل را با تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی اعلام کرد و گفت اسرائیل یک ملت است، مگر از زمینهای اشغال شده را شایسته نیست نخواهد داد.

سیاست اعلام شده "سرکوب هر چه بیشتر" هر روز و هر هفته کشته‌ها و زخمی‌های بیشتر به‌جامی‌نهد. آخرین نمونه جنايتكارى‌هاى مؤدوران صهيونيست قتل یک نوجوان ۱۶ ساله است.

در زندان‌های ترکیه

۲۰۰۰ زندانی سیاسی در زندان نظامی دیاربکر در ترکیه دست به اعتصاب غذا زده‌اند. خواسته زندانیان بهبود شرایط زندان و قطع شکنجه است. اخیرا رژیم ترکیه کنش‌آشوب منته‌شکنجه جمعی عمومی سازمان ملل را امضا کرده است، اما شکنجه در زندانهای ترکیه همچنان ادامه دارد.

از سوی دیگر اعلام شد که یک دادگاه نظامی در استان دیاربکر ۲۰ نفر از اعضای حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. ک. ک. ا.) را محکوم به مرگ کرده است.

جبهه آزادی بخش ملی فارابوندومارتی و جبهه دمکراتیک انقلابی که رژیم مشترکی را علیه رژیم دیکتاتوری دوارنه در السالوادور پیش می‌برند، با صدور اعلامیه مشترکی اعلام کردند که برای از سرگیری مذاکره سیاسی با رژیم برای پایان دادن به جنگ داخلی آماده‌اند. آنها روز ۲۲ فوریه را به عنوان روز از سرگیری مذاکرات پیشنهاد کرده‌اند. رژیم تاکنون پیشنهاد از سرگیری مذاکره را رد کرده است و علما نشان می‌دهد که خواهان تداوم خونریزی است. دودور قبلی مذاکرات بین اپوزیسیون انقلابی رژیم حاکم به دلیل قتل رئیس کمیته مستقل حقوق بشر

کنفرانس جهانی سندیکاها و امنیت اقتصادی بین المللی

شدند. قطعنامه پایانی کنفرانس ضمن محکوم کردن سلبه بانک های فرامیلتی بویژه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بر اقتصاد کشورها خواستار سیستم جدید مالی و پولی بین المللی بر اساس همکاری های متقابل گردید و بر نقش سندیکاها در ایجاد سیستم همکاری های جدید بین المللی تاکید کرد. کنفرانس ضمن قدردانی از کفدراسیون عمومی کار فرانسه (C.G.T) که امکان برگزاری کنفرانس در پاریس را فراهم کرده بود بعد از سه روز کار فشرده در جوی دوستانه با موفقیت به کار خود پایان داد.

به دعوت کمیته برگزاری کنفرانس نمایندگانی از ایران نیز در کادر روابط سندیکایی در کنفرانس شرکت کرده بودند و در کمیسیون "جمله سلاح برای پیشرفت" سیاست ها و جغایات رژیم جمهوری اسلامی در بهم زدن امنیت منطقه خلیج فارس و پافشاری در ادامه جنگ ایران و عراق را افشا و محکوم کردند.

در روزهای ۲۰ و ۲۱ فوریه ۱۹۸۸ کنفرانس جهانی سندیکاها و امنیت اقتصادی بین المللی در پاریس برگزار شد. در این کنفرانس ۱۲۸ سازمان سندیکایی ملی، منطقه ای و بین المللی از ۷۴ کشور جهان شرکت کرده بودند. این کنفرانس به دعوت یک کمیته برگزاری بین المللی تشکیل یافته بود و با حضور نماینده دفتر سازمان بین المللی کار (F.I.T) وابسته به سازمان ملل متحد شروع به کار کرد و در ادامه کار خود دو کمیسیون بزرگ تشکیل داد. نمایندگان در دو گروه کار جداگانه مسائل "سندیکاها برای همکاری اقتصادی عادلانه بین المللی" و "سلاح برای پیشرفت" را مورد بررسی و بحث قرار دادند و نظریاتشان را راجع به امنیت اقتصادی و خلع سلاح و نقشی که سندیکاها می توانند در این موارد باید داشته باشند به تفصیل بیان داشتند. نمایندگان کنفرانس خواستار لغو بدی های کشورهای در حال توسعه به انحصارات فرامیلتی

نقد نو سازی بر سطح و وضعیت کنونی علوم اجتماعی

نو سازی (پرسترویکا) در اتحاد شوروی، به نقد سلب و وضعیت کنونی علوم اجتماعی فاشته است. دگم ها کنار زده می شود، ساده اندیشی ها و ذهنی گرایی ها زایل می شود و مارکسیسم - لنینیسم صلابت، پویایی و شادابی خود را بازمی یابد. بخشی از یک مقاله الکساندر یاکوولف عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این زمینه، مقدمه در نشریه "کمونیست" (شماره ۸ سال ۱۹۸۷) در صفحه ۱۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله ابعاد مختلف نقد نو سازی بر رشته های مختلف علوم اجتماعی در شوروی تشریح شده و بر کمی ها و کاستی های مختلف انگشت نهاده شده است.

منتشر شد

راهنمای آموزش
تئوری مارکسیسم - لنینیسم

کتاب "راهنمای آموزش تئوری مارکسیسم - لنینیسم" از انتشارات سازمان قذافیان خلق ایران "اکثریت" منتشر شد.

این کتاب با این هدف نگاشته شده که خوانندگان آن برای مطالعه آثار بنیانگذاران مارکسیسم لنینیسم شیوه صحیح و علمی را بشناسند و بتوانند دانش تئوریک خود را ژرفا بخشند و همه جانبه کنند. این کتاب همچنین راهنمای شناخت شیوه های مشخص تدبیر آثار بنیانگذاران

مارکسیسم لنینیسم بر عمل انقلابی است.

کتاب "راهنمای آموزش تئوری مارکسیسم لنینیسم" از بخش های زیر تشکیل شده است:

- * مبسوط و هدف آموزش تئوری مارکسیسم لنینیسم
- * شیوه کتاب خواندن
- * استفاده از اطلاعات روزمره
- * استفاده از ادبیات
- * آموزش سیاسی و خود آموزی

برای اشتراک نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه «کار»
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ =	۲۱ =		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه «اکثریت»
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ =	۵۲ =	☐ يك ساله	
۱۱۵ =	۱۰۲ =		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.195
MONDAY, 26 FEB, 88

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
قذافیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

سالنمای ۱۳۶۷

سالنمای سال ۱۳۶۷
انتشارات سازمان
قذافیان خلق ایران
منتشر شد. در سالنمای
سال ۱۳۶۷، به مناسبت
دهمین سالگرد انقلاب
۲۲ بهمن، بر رویدادهای
روزهای قیام و وقایع
انقلاب تاکید ویژه ای
شده است.

